

کمپین حقوق بشر ایران: کورد، عرب و بلوچ قربانیان اصلی سرکوب سیستماتیک

تازمترین گزارش‌های کمپین حقوق بشر ایران از وضعیت حقوق بشر در ایران حاکی از ادامه بازداشت و سرکوب فعالان و معترضان کورد، عرب و بلوچ است. براساس تازمترین آمار تعداد کل موارد نقض گزارش شده بیانگر یک وضعیت «نگران‌کننده و فوریت برای توجه جامعه بین‌المللی و دولت ایران» به این مسائل است. این موارد شامل اجرای احکام اعدام، سرکوب گسترده آزادی بیان و بازداشت‌های خودسرانه، بویژه در میان فعالان و معترضان کورد، عرب و بلوچ می‌باشد. براساس گزارش‌ها طی دی ماه گذشته ده‌ها کنشگر عرب تنها در پنج روز در شهرهای مختلف خوزستان بازداشت شده‌اند. همچنین به دنبال اعتصابات عمومی در کردستان بسیاری از شهروندان بازداشت شدند. فعالان حقوق بشر در ایران از اقدامات هماهنگ ایالات متحده و متحدانش برای اعمال تحریم‌های هدفمند علیه مقامات ایرانی که در نقض حقوق بشر دخیل بوده‌اند استقبال می‌کنند و این اقدام را نشان‌دهنده تعهد جمعی برای پاسخگو کردن کسانی می‌دانند که در رابطه با مردم ایران مرتکب نقض حقوق بشر شده‌اند.

خالد عزیزی: سخنگوی حزب دمکرات کوردستان ایران

جورج تاوان پروژه تخریب فرهنگ سازماندهی مردم و تحزب بود



گرامیداشت خجسته سالروز جمهوری کوردستان طی مراسمی باشکوه



روز چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۳ خورشیدی به مناسبت ۱۲م بهمن سالروز تاسیس جمهوری کوردستان با حضور شماری از اعضای حزب دمکرات کوردستان ایران، کادر، پیشمرگه و اعضا حزب دمکرات مراسمی باشکوه برگزار گردید

در آغاز مراسم مصطفی مولودی عضو اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران بدین مناسبت پیامی را تقدیم کرد. وی ضمن تبریک این روز به همه مهمانان و توده‌های مردم کوردستان به اهداف جمهوری کوردستان پرداخت که تاکنون نیز حزب دمکرات و هم مردم کوردستان به آن متعهد و وفادار هستند. در ادامه

مراسم ۱۷۹مین سالروز جمهوری کوردستان از میان پیشمرگه‌های کوردستان از سوی کاوه بهرامی مسئول مرکز پیشمرگه کوردستان و محمدصالح قادری مسئول روابط حزب دمکرات در هولیر لوح تقدیر به دوره آموزشی و همچنین اساتید دوره مقدماتی پیشمرگه تقدیم شد در خلال این مراسم چندین سرود و آهنگ حماسی و شادی از سوی کانون هنری حزب دمکرات تقدیم شد فارغ از این مراسم ویژه در خارج از کشور، در کوردستان در مرکز ۳ کوردستان و همچنین از سوی اتحادیه جوانان دمکرات کوردستان مراسمی بدین مناسبت در هولیر برگزار گردید

دوگانه توهم و ترس، دیکتاتور، نماز میت با جلیقه ضد گلوله

رضا دانشجو
۳

خالد عزیزی:
کوردستان ایران منشاء الهام و عرصه اصلی مبارزه‌ی ما است

۲

جمهوری اسلامی،
مبانی فکری و نظام سیاسی

رضا محمدامینی
۴

تحلیل وضعیت مذاکره میان ایران و آمریکا در دوران ترامپ

اورارتو دلشین
۸

پرویز جباری:
بی شک فرهنگ سیاسی در کوردستان بیشتر متاثر از موقعیت سیاسی و اجتماعی احزاب کوردستانی می‌باشد

مصاحبه: شهرام سبیحانی
۵

فراخوان احزاب و نیروهای سیاسی کوردستان ایران جهت اعتصاب عمومی چهارشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۳

مردم آزادیخواه کوردستان!

درحالی که تورم، بیکاری، فقر و دهها مشکل اقتصادی و رفاه و نبود آزادی های سیاسی زندگی را برای مردم کوردستان و ایران دشوار کرده است، جمهوری اسلامی حاکم بر ایران به جای پاسخگویی به خواسته های مردم، علیه زندانیان سیاسی شمشیر کشیده و برای دهها فعال سیاسی در کوردستان و سراسر ایران حکم اعدام صادر کرده است. در این میان، به ویژه به دلیل تهدید به اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی، باید اقدامات لازم برای رهایی آنها از مجازات اعدام انجام شود که یکی از این اقدامات، برگزاری اعتصاب عمومی در کوردستان می باشد.

اعتصابات عمومی و سراسری همواره به عنوان راهکار مبارز مدنی در مواقع حساس به معیاره امروزی و مدرن در کوردستان تبدیل شده است. امروز که با یکی از این دوران تاریخی روبرو شدیم، اراده همه ی مردم باید در حرکتی شایسته خود را نشان دهد تا از طناب دار جلوگیری کرده و جان افرادی را که جز عشق به مردم و مبارزه برای آزادی و برابری جرمی نداشتند، نجات دهند. البته این اتحاد مردمی که به صورت مدنی و مسالمت آمیز تجلی می یابد، می تواند یک بار دیگر همانند انقلاب "ژن، ژیان، نژادی" کوردستان پیام مبارزه و مقاومت برای همه مردم سراسر ایران داشت تداعی شود. این جنبش همچنین صدایی است برای زندانیان سیاسی مبارز که هر سه شنبه در بیش از ۳۰ زندان ایران با اعتصاب شجاعانه خود شعار «نه به اعدام» را سر می دهند. ما احزاب سیاسی کوردستان ایران از همه ی مردم مبارز کوردستان می خواهیم که روز چهارشنبه سوم بهمن ماه در همه ی کوردستان اعتصاب عمومی برای جلوگیری از حکم اعدام فرزندانمان برگزار شده و همچنین خواستاریم که تمامی مراکز کار، بازارها و تحصیل تعطیل شوند. بدین صورت قدرت اتحاد مردم برای دستیابی به یک هدف سیاسی و بشردوستانه فوری نشان داده شود.

این اقدام پیشگیرانه فرصتی برای نجات دادن جان انسان ها و در عین حال جلوگیری از غم و اندوه بیشتر برای خانواده ها می باشد. بیایید یک بار دیگر نشان دهیم که کوردستان در برابر چنین حکومت غیر انسانی سکوت نخواهد کرد و مقاومت می کند.

زنده باد اتحاد و همبستگی مردم در کوردستان.

پارت آزادی کوردستان
حزب حیات آزاد کوردستان / پژاک
حزب کومه له کوردستان ایران
حزب دمکرات کوردستان ایران
کومه له زحمتکشان کوردستان
کومه له - سازمان کوردستان حزب کمونیست ایران
۳۰ دی ۱۴۰۳

خالد عزیزی: کوردستان ایران منشاء الهام و عرصه ی اصلی مبارزه ی ما است



بزرگی برای جمهوری اسلامی خواهد بود و ترامپ نیز این موضوع را برجسته می نماید دوم، در رابطه با گروه های نیابتی حتی در عراق نیز شاید یان امر بخشی از معادله و معاملات باشد و این نیز شکست دیگری است برای جمهوری اسلامی. اما هیچکدام از اینها تا این لحظه بدین معنا نیستند که جنگی میان آمریکا و ایران رخ می دهد. به نظر من تا کنون چیزی بنام جنگ ایران علیه اسرائیل یا آمریکا وجود نداشته و آنچه که اکنون در جریان است را عمل و عکس العمل می دانم و شلیک موشک بسوی یکدیگر به مفهوم جنگ نیست. همه اینها برای آنستکه ایران به اسرائیل بگوید من نیز قدرت دارم و در برابر می ایستم و اسرائیل نیز به همین شیوه. در خصوص ترامپ نیز پیش بینی نمی کنم با جنگ به استقبال مشکلات خود با ایران برود و متدی را انتخاب خواهد کرد که به مرور زمان این حاکمیت را تضعیف کرده و آنرا از اعتبار و شرعیت تهی خواهد کرد و همه ی اینها در داخل کشور ایران بازتاب خواهد داشت. آمریکاییها اعم از دمکرات و جمهوریخواه بسیاری اوقات گفته اند که سرنگونی جمهوری اسلامی یک موضوع داخلی است و همین امر نیز بسود آینده ی ایران است و در نهایت به عاملی جهت ایجاد یک آلترناتیو برای جمهوری اسلامی تبدیل می گردد.

موضوع و سرنوشت آلترناتیو جمهوری اسلامی

موضوع آلترناتیو مشکل ما و جریانهای ایرانی و نیز طرفهای بین المللی است در یک نمونه ی بسیار تازه و در قضیه ی سوریه، حکومتی که اکنون برسرکار است، حدود دوازده سال پیش در ادلب به آلترناتیو تبدیل شد و حکومت سایه تأسیس کرد. هنگامیکه کشورش به سرنوشتی دچار شد که بشار اسد فرار کند، جنگ و انقلابی درنگرفت و مردم سوریه استعداد آنرا داشتند که بهنگام فرار بشار اسد، خلاء قدرت ایجاد نکردد و این رخداد بدون خونریزی فراوان به امر واقع تبدیل گردید و به تأسیس دولت جدید منجر شد. در ایران و بویژه در کوردستان علیرغم این همه قربانی و فداکاری، مشکل آنستکه هنوز آلترناتیوی برای تهران و رژیم جمهوری اسلامی شکل نگرفته است. چرا؟ من می کوشم خلاصه کنم که حزب دمکرات آنچه که از دستش ساخته بوده، انجام داده است. حزب دمکرات در یک دوران بسیار سخت حیات سیاسی خود در ایران، پس از آنکه شورای ملی مقاومت

جریان تندرو سنی نیز بسیاری اوقات آمریکا را هدف قرار داده است. حال در پرتو این تئوری، اوباما در دوران زمامداری خود پول و ثروت هنگفتی را برای ایران آزاد کرد و خواست ایران را بعنوان یک پارتنر باقی بگذارد تا مصالح آمریکا را هدف قرار ندهد.

رابطه ی امنیت اسرائیل با ثبات منطقه ی خاورمیانه

معضلات و رقابتهای نظیر گذشته ادامه خواهند داشت، اما شاید تهدید امنیتی علیه ثبات منطقه به شیوه ی سابق نباشد. زیرا اسرائیل در جنگهایی که در اطراف خود کرده تا حدود بسیاری پیروز شده است. این سازمانها از سازماندهی و نیرو و توان پیشین خود برخوردار نیستند، اما یک چیز در این میان مطرح است و آن اینکه آیا حاکمیت جدید سوریه همچون گذشته رفتار خواهد کرد؟ که بنظر من چنین نخواهد کرد و جامعه ی جهانی خواهد کوشید آنرا با معادلات و معاملات و دولتداری همگام سازد و آنرا به پارتنر خود تبدیل نماید و شاید این امر بدین منوال پیش برود و این موضوع به نحوی به ایجاد ثبات در این منطقه یاری رساند. اما همانگونه که گفتم مشکلات خاورمیانه کامکان ادامه خواهند داشت و یکی از فاکتورها نیز ایران است.

تأثیرات مستقیم برسرکار آمدن دوباره ی ترامپ بر سرنوشت جمهوری اسلامی؟

نخست، جامعه ی ایران جامعه ای است که افکار مردمش عمدتا به غرب تمایل دارد. یعنی فرد ایرانی همه ی آرزویش آنستکه گذرش به آمریکا بیافتد و با آمریکا و اروپای غربی در ارتباط باشد. اکنون در ایران برسر اینکه چه کسی زبان انگلیسی را بخوبی فراگیرد، رقابت وجود دارد، اما هیچکس بدنبال زبان روسی یا چینی نیست. به همین دلیل به نظر من در درازمدت جامعه ی ایران در جبهه ی غرب قرار می گیرد. اما برخلاف خواست جامعه ی ایران، اندیشه و فلسفه ی وجودی جمهوری اسلامی ضدیت با غرب بویژه ضدیت با آمریکا و اسرائیل است. به اعتقاد من اگر ترامپ وارد معادلات و معاملات شود که چنین نیز خواهد شد و از برجام شروع می کند، مجموعه محدودیتهایی بر ایران تحمیل می شود. ایران یا باید طبق این پروژه ی ترامپ پیش برود و محدود گردد، یا به احتمال بسیار مکانیزم ماشه مطرح می گردد که اروپاییان نیز موافق آن هستند و در این حالت ایران را به عقب نشینی وادار می نمایند. بدون تردید این شکست

باقی خواهد ماند. بدیهی است که ما دو نوع آشفتگی و دو نوع بحران داریم. بحران و آشفتگی کنترل نشده و بحران و آشفتگی ای که کنترل می شود. شاید مصالح منطقه در سیاست امنیت کلان بین المللی و بویژه مصالح اسرائیل چنین اقتضا کند که در مرحله ی اول بدنبال کنترل بحران باشند. علت آن نیز این است که مشکل خاورمیانه بسیار پیچیده و درهم آمیخته بوده و بخش اعظم سیاست امنیتی کلان بین المللی محصول مشکل اسرائیل با فلسطینیان است. در دوران جنگ سرد نیز این موضوع به چشم می خورد که اتحاد جماهیر شوروی سابق از فلسطینیان دفاع می کرد و آمریکا حامی اسرائیل بود.

بعدها اثری از اتحاد جماهیر شوروی باقی نماند و خرده حاکمیت های منطقه ای ایجاد شدند، نظیر ترکیه و ایران، در کنار رقابت شیعه و سنی. به همین دلیل در حال حاضر احتمالا مشکل غزه و لبنان حل و فصل گردد و مشاهده می کنیم که در سوریه حاکمیت جدیدی برسرکار آمده است. به نظر من این مشکلات همچنان ادامه خواهند داشت و وجود این بحرانها و مشکلات عرصه را برای جمهوری اسلامی مهیا کرده تا بتواند با کویی کردن از احزاب کمونیست و وسیله قرار دادن مذهب تشیع، قدرت و نیروی نیابتی برای خود دست و پا کند. از سوی دیگر درست است که جمهوری اسلامی در معادلات منطقه با شکست بسیار بزرگی مواجه گشته است، اما این بدان معنا نیست که همه ی کارتهای خود را از دست داده باشد. در اینجا به احتمال بسیار ترامپ در پی آن باشد که این کارتها را نیز از آن بگیرد که یکی از آنها پروژه ی اتمی ایران و قضیه ی برجام است. من بارها گفته ام که پیش بینی نمی کنم که جمهوری اسلامی سلاح اتمی تولید کند، زیرا با نخستین انفجار این اسلحه، خود او نابود شده و کشورش ویران خواهد شد، لیکن این یک کارت بازی برای معامله است و اکنون وقت آن فرا رسیده که برای بقای خویش از این کارت استفاده نماید. من معتقدم که در اینجا معادلات تغییر خواهند کرد.

مصالح و منافع روسیه و آمریکا در خاورمیانه بر بحران!

روسیه تا حدود بسیاری از معادلات خاورمیانه خارج شده، یا می توانم بگویم که بسیار ضعیف شده است، اما هنوز هم حرف آخر را آمریکا می زند، اما این بدان معنا نیست که با مشکل مواجه نخواهد شد. استراتژی آمریکا در خاورمیانه بطور خلاصه حفظ اسرائیل است. اسرائیل لابی نیرومندی در آمریکا دارد و تهدیداتی که از سوی جریانهای افراطی چه سنی و چه شیعه علیه اسرائیل وجود دارد، بویژه پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳، افکار عمومی بین المللی را نگران کرده است. به همین دلیل من معتقدم که آمریکا در راستای حفظ امنیت اسرائیل، بخواهد ایران را محود نماید. اکنون دیگر ایران نظیر گذشته نمی تواند در خاورمیانه ترکتازی کند. زمانی چیزی وجود داشت که به آن دکترین با پروژه ی اوباما می گفتند. تحلیل اوباما این بود که جریان تندرو شیعه بطور مستقیم علیه مصالح آمریکا نیست و این جریان تندرو شیعه آدرسی دارد و آنهم تهران است، بنابراین قابلیت معامله را دارد؛ اما جریان تندرو سنی در خاورمیانه چندین نیرو نظیر القاعده و داعش و نیروهای گوناگون اسلامی را دربرمی گرد و طرفهای گوناگونی هم به آنها کمک می کنند. جریان تندرو شیعه عمدتا مخالف اسرائیل بود و

بخش نخست

مقدمه:

خالد عزیزی، سخنگوی حزب دمکرات کوردستان در مصاحبه ای مفصل و ویژه با کورد کانال تازه ترین مواضع و خوانش حزب دمکرات در خصوص تحولات منطقه، ایران و کوردستان ایران را تشریح کرد. "کوردستان" جوهر و چکیده ی این مصاحبه را برای خوانندگان خویش تهیه و تنظیم کرده است.

در رابطه با بازگشت ترامپ و احتمال تغییر موازانات در خاورمیانه و حتی جامعه ی جهانی

باید این واقعیت را قبول کنیم که جهان در عرصه های اقتصادی و امنیتی، بدون آمریکا دچار خلاء خواهد شد و نقش آمریکا در کلیه ی زمینه ها مهم بوده نقش رئیس جمهوری آمریکا نیز مهمتر است. بگذارید به یک نمونه ی تاریخی اشاره کنم. پیش از جنگ جهانی دوم آمریکا در سیاست کلان بین المللی منزوی بود و یکی از عواملی که زمینه آنرا فراهم ساخت تا حاکمیتی چون هیتلر ظهور کند، به اعتقاد من غیبت آمریکا بود. پس از جنگ جهانی دوم نیز که دیگر بر هیتلر چیره شده بودند، آمریکا وارد موازانات بین المللی شده و قدرت اقتصادی و امنیتی و نظامی این کشور به فاکتوری در ثبات جهانی تبدیل شد. تا زمانیکه ترامپ از جمهوریخواهان برسرکار آمد، در خصوص معادلات بین المللی اختلاف چندانی میان دمکراتها و جمهوریخواهان وجود نداشت. اما پدیده ی ترامپ با سیستمی که در تاریخ آمریکا وجود داشته، تفاوت بسیاری دارد. شیوه ی سخن گفتن، نگرش و خوانش او در خصوص آمریکا و دیدگاههای وی نسبت به جهان بسیار ویژه و بی سابقه است. دمکراتها بر همین اساس عمل می کردند که با معادلات بین المللی همگام شده و با اروپاییان هماهنگی بیشتری داشته باشند و برای خود شریک پیدا کنند، اما ترامپ عمدتا آمریکا را محور قرار داده و به تبع از مصالح آمریکا به دیگران می نگرد. اکنون ترامپ اعلام کرده که دوران طلایی در آمریکا آغاز شده و بیشتر بر این موضوع تأکید می کند که در کلیه ی این معادلات چگونه آمریکا را قدرتمند سازد. به همین دلیل تعامل وی تمامی ابرقدرتهای جهان و در سطحی نازلتر با ایران در آینده، از مصالح آمریکا تبعیت خواهد کرد. مهم آنستکه بدانیم دمکراتها و جمهوریخواهان تا کنون نیز تنها در اینراه گام برداشته و برمی دارند که سیاست و رفتار ایران و تغییر دهند و نگفته اند که ما قصد تغییر رژیم ایران را داریم؛ ترامپ نیز چنین نگفته است. به همین دلیل من پیش بینی می کنم که ترامپ در رابطه با ایران جهت پیشبرد پروژه ی خویش که عبارتست از محدود کردن توانمندی و قدرت جمهوری اسلامی وارد مجموعه معاملات و فشارها و معاملاتی با رژیم گردد.

اوضاع منطقه ی خاورمیانه در نابسامانی باقی خواهد ماند یا نظم جدید و ثبات ویژه ی بر آن حکمفرما خواهد شد؟

به اعتقاد من اوضاع منطقه آشفته

دوگانه توهم و ترس، دیکتاتور، نماز میت با جلیقه ضد گلوله



رضا دانشجو

دیکتاتورها دارای ویژگیهای منحصر بفرد و یکنسانی هستند که به کمک این ویژگیها به آسانی می توان دلیل بسیاری از رفتارهای آنها را توضیح داد. در این میان دوگانه توهم و ترس را می توان به شکلی ویژه بررسی کرد.

در واقع هیچ مرز مشخصی بین این دوگانه متناقض در میان دیکتاتورها نمی توان یافت. آنها در حالیکه عموماً به چیزی فراتر از حوزه اختیارات خود می اندیشند و در واقع خود را نه تابع قانون، بلکه قانون را تابعی از خود می دانند اما در همان حال به شکل عجیبی دچار ترس و اضطراب هستند. پارانویا یا پارانوید

ادامه صفحه ۲

تأسیس شد و بنی صدر و مسعود رجوی در آن حضور داشتند و بعدها دکتر قاسملو، رهبر حزب دمکرات و دولت‌مرد سیاسی ایران وارد این شورا شد، بنظر من در آندوران آلترناتیو مطلوبی بود. اما تحولات مربوط به ایران در میان اپوزیسیون ایرانی در مسیر دیگری سوق پیدا کرده‌است. در آندوران فقط و فقط بنی صدر و مجاهدین بودند، اما اکنون دهها و صدها بنی صدر سربرآورده و دهها و صدها گروه تشکیل شده‌اند و هرکدام سازی را می‌نوازند. در نتیجه این آلترناتیوسازی موافق نبوده‌است. به همین دلیل اگر چند سال دیگر نیز تظاهرات و اعتراضات در ایران ادامه داشته‌باشد که هنوز هم بخش عظیمی از مردم ایران در آنها حضور ندارند، در واقع اگر آلترناتیوی وجود نداشته‌باشد و تا هنگامیکه مردمی که به خیابانها می‌ریزند و حاضر به جانفشانی هستند، بدیلی سراغ نداشته‌باشند، مشکل بقوت خود باقی خواهد بود. اما آیا با برسرکار آمدن ترامپ اصولاً اپوزیسیون ایرانی خود را مورد بازنگری قرار خواهند داد و راهکار جدیدی را در پیش خواهند گرفت یا خیر، مسأله‌ی دیگری است. ما بعنوان حزب دمکرات مخالفان جمهوری اسلامی را با هر دید و موضعی که داشته باشند را دشمن خود نمی‌دانیم. ما به معادلات و سناریوی یافتن دولت می‌پردازیم. مشاهده می‌کنیم که با یکی از آنها بسیار دوستانه پیش می‌رویم تا به یک توافق دست یابیم، و با برخی از آنها نیز بیشتر کار می‌کنیم تا برای آینده‌ی ایران مبنایی را پی‌ریزی نماییم و با شماری از آنها نیز شاید هیچگاه دولت نشویم، اما آنها را به دشمن خود تبدیل نخواهیم کرد. در سیاست هنر آنستکه برای خود دولت دست و پا کنید و دشمنان و مخالفان خود را به حداقل برسانید. ما در این چارچوب کار کرده‌ایم و مبنایی برای خود داریم و آن اینکه حقوق ملی ما در چارچوب ایران طبق پروژهای که حزب دمکرات دارد، در نشست با دیگر جریانها برسمیت شناخته شود. انتظار هم نداریم که کلیه‌ی طرفها همه‌ی اینها را

توجیه این رفتار همیشه آمیخته به ترس دیکتاتورهاست.

صدام حسین دیکتاتور عراق هرگز خود را در چارچوب یک رئیس جمهور وابسته به رای مردم عراق نمی دید، از نگاه صدام نه تنها مردم عراق، بلکه جهان عرب نیازمند رهبری و هدایت او بود. گستاخی صدام در حمله به کویت که سالها در جنگ با ایران، نقش تدارکات را برای ارتش عراق به عهده داشت نشان داد که از نگاه صدام آنچه انجام گرفته وظیفه بوده نه چیز دیگری! یا وقتی نیروهای ائتلاف به عراق حمله کردند و به نزدیکی کاخ ریاست جمهوری رسیدند صدام در میان مردم داشت شواف حضور می داد! اما همین صدام! دامادش را از ترس خیانت کشت! روزانه در چندین جای مختلف عراق برای صدام غذا درست می کردند تا کسی نفهمد صدام کجا غذا می خورد که مبادا مسمومش کنند!

و در نهایت در یک چاله زیرزمینی با قیافه‌ای مستاصل و درمانده از ترس مرگ مخفی شده بود!!

از نگاه قذافی دیکتاتور سابق لیبی، کتاب سبز او مقدس و تنها راه حل نجات نه مردم لیبی بلکه جهان بود. او

بپذیرد، اما انتظار داریم با خوانش درستی از صورت مسأله‌ی واقعیت جامعه‌ی ایران و گوناگونی تشکلهای این کشور بتوانیم در مرحله‌ی حاضر به دستاوردی برسیم

علت پیچیدگیهای آلترناتیوسازی علیه جمهوری اسلامی در ایران

جامعه‌ی ایران تجربه‌ی چندانی از دمکراسی ندارد، دوران مصدق چیزی وجود داشت که بسیار کم بود. پس از انقلاب در کوردستان نیز اندکی عمر کرد که آنهم بدلیل لشکرکشی رژیم سرکوب شد. ایرانی بطور کلی با امر تحمل یکدیگر بیگانه هستند. کورد اندکی بهتر است، زیرا فرهنگ حزب دمکرات و حزب‌سازی، ما را بیشتر عادت داد که با یکدیگر کار کرده و در چارچوب یک حزب گردهم آییم. نقطه قوت و اصلی‌ترین دستاورد جنبش سیاسی ما، اندیشه‌ی تأسیس حزب بود. حزب ما علیرغم تمامی فراز و نشیبها مقاومت و ایستادگی کرده و اکنون می‌تواند در میان جامعه‌ی ایران نقطه نظرات خود را ابراز نماید. اما در این اواخر اندیشه‌ی حمله به حزب برجسته شد. بویژه هدف پروژه‌ی جرج تاون کوبیدن سازماندهی و تحزب در ایران بود. هنگامیکه رنسانس در اروپا آغاز شد، نخبه‌ها و الیتهایی سربرآوردند و به مرور زمان همه‌ی آنها در بعد سیاسی و اجتماعی جایگاه خود را تغییر داده و وارد تشکلهای شدند و سپس در احزاب جای گرفتند. ایران وارد این مرحله نشده و در غیاب یک یا چند حزب قدرتمند ایرانی، در واقع آنچه که آنها سلبریتی توصیف می‌کنند و آنکه آنها شخصیت می‌نامند، دانشجویان یا آلهایی که ژورنالیست هستند، همگی از مسائل روزمره سخن می‌گویند و این یکی از چیزهایی است که بنظر من بزبان آینده‌ی ایران است. اگر جمهوری اسلامی نیز سرنگون شود، در صورت عدم وجود چند حزب نیرومند که با یکدیگر توافق کنند، هزاران نفر نمی‌توانند در

هم داعیه رهبری جهان عرب را داشت. اما همین قذافی در سفرهایش به جای اسکان در هتل در نزدیکی محل کنفرانس چادر می زد و از ترس موسوم شدن غذایش توسط آشپزهای مخصوص تهیه می شدند قذافی هم تا آخرین لحظه مخالفانش را ترسو خطاب کرد اما در نهایت در زیر یک پل پیدا شد در حالیکه از ترس به خود می لرزید و...!

این دوگانگی را در رفتار دیکتاتور حاکم بر تهران به خوبی رصد کرد. علی خامنه‌ای که با روایت‌های دروغین هاشمی رفسنجانی توانست صاحب تاج و تخت ولایت فقیه شود در جلسه انتخاب شدنش به صراحت گفت: که باید افسوس خورد به حال جامعه اسلامی که کسی مثل من رهبرش باشد! خیلی زود پوست اندازی کرد و با حذف همه رقیبان سیاسی خود، با ادعای ولی امر مسلمین جهان، تصویر جدیدی از دیکتاتوری اش را نشان داد. خامنه‌ای جدا از سرکوب همه مخالفان سیاسی اش، حسابی هم از خجالت دوستان و رقیبان سیاسی خود در جمهوری اسلامی درآمد، خانه نشین کردن، از کار برکنار کردن، حصر خانگی و در نهایت خفه کردن در استخر، همه تاکتیک‌هایی بودند که خامنه‌ای برای یکدست کردن قدرت انجام

میان خود به توافق برسند و جامعه‌ی ایران بسوی فردگرایی گام برخواهد داشت و به تبعیت از جغرافیای سیاسی، ایران در منطقه بسیار ضربه‌پذیر خواهد بود. در پروژه‌ی جرج تاون نیز بیاد دارم که آنزمان در تورنتو، من از سوی حزب در این مورد سخن گفتم و اظهار داشتیم که طرح ما این است که به سازماندهی کمک کنیم و در راستای حزب‌سازی در ایران تلاش نماییم، یا این افراد دور یکدیگر گرد آمده و به اتفاق هم در چارچوب یک حزب فعالیت نمایند. آن هنگام حزب‌زدایی در اوج خود بود و دقیقاً هدف پروژه‌ی جرج تاون این بود که نقش احزاب از جمله حزب دمکرات کوردستان ایران با این گذشته‌ی غنی و احترام ویژه‌ای که دارد، نادیده گرفته شود. یا برخی جریانها و گروههایی وجود دارند، بعنوان نمونه جمهوریخواهان که هزاران نفر هستند و طیفهای گوناگونی در میان آنها وجود دارد و همه نیز از یک چیز سخن می‌گویند، اما با یکدیگر نمی‌سازند و نمی‌توانند یک حزب تأسیس نمایند. به هرحال ما از تلاش دست نخواهیم کشید و در نشست با همه می‌کوشیم که این اندیشه را قوت ببخشیم.

احتمال تحول در جمهوری اسلامی پس از ریاست جمهوری پزشکیان!

در قانون اساسی ایران ولایت مطلقه‌ی فقیه از قدرت بی‌حد و حصری برخوردار است و پس از آن نیز نهادهای امنیتی و سپاه پاسداران از جمله خطوط قرمزی هستند که هیچ رئیس جمهوری حق پشت سر گذاردن آنها ندارد. قدرت همه‌ی رئیس جمهورها بسیار بسیار محدود است، به همین دلیل وارد کردن پزشکیان به صحنه در واقع نوعی ابتکار بود. سیستم پیش‌بینی کرده‌بود، یا این احتمال را می‌داد که ترامپ رئیس جمهور خواهد شد، به همین دلیل این فرصت را به پزشکیان دادند تا در صورت گفتمانی که احتمالاً با ترامپ خواهند داشت، زمینه فراهم باشد و بعدها که وارد مذاکره شدند با مشکلات روانی و

داد. حالا دیگر رهبر خودخوانده جهان اسلامی در فکر فتوحات دیگری بود فراتر از مرزها و برای نشان دادن قدرت توانایی هایش، هلال شیعی!

دیکتاتور خونریز که سابقه دهها سرکوب وحشیانه مردم ایران را در کارنامه ننگین خود دارد هرگز حاضر به پذیرش حق مردم نشده و نخواهد شد. پروپاگاندای بی پایان مقاومت در مقابل دشمن فرضی، ادعاهای بی پایه و اساس درباره قدرت خیالی دیکتاتور، داستان هر روزه ایران در تمامی سال‌های حکومت علی خامنه‌ای است.

اما همین دیکتاتور خونخوار سالهاست بندرت در انظار عمومی ظاهر می شود و سخنرانی هایش زیر شدیدترین تدابیر امنیتی برای عده‌ای خاص و انتخاب شده است! خامنه‌ای در هنگام بحران‌ها چنان رنگ می‌بازد که چاره‌ای جز پناه بردن به دروغ و ربا ندارد! نماز جمعه او بعد از حوادث سال 88 که با گریه و زاری و التماس همراه بود یکی از مهم‌ترین این تناقض‌هاست.

اما روند اتفاقات در چند سال اخیر و بعد از هلاکت قاسم سلیمانی شکل دیگری به خود گرفته است. حالا از دوگانه وهم و ترس، بیشتر ترس هویداست. خامنه‌ای

مشروعیتی مواجه نشوند. من معتقد نیستم که این امر بتواند تحولی در جمهوری اسلامی ایجاد نماید، اما ملاحظه‌ای دارم و آن اینکه جنبش اصلی ما و جامعه‌ی مدنی ما در داخل کشور است. محل تأسیس حزب دمکرات کوردستان ایران در داخل کشور است و این نظام چه تغییر بکند و چه نه، پزشکیان برسرکار باشد یا فرد دیگر، مردم ما در داخل کشور همواره باید خواست و مطالبه‌ی خود را مطرح نماید، همواره متدها و شیوه‌های جدیدی را برای طرح مطالبات خود در پیش گیرد، تا جنب و جوش سیاسی و مدنی و حق‌طلبانه‌ی کورد در کوردستان ایران از حرکت بازنايستد. حال آیا در تهران بدان عمل می‌کنند یا خیر، بحث دیگری است ما باید موضوعاتی را برای مطرح کردن داشته باشیم. در این رابطه اگر پزشکیان نیز چیزهایی را بر زبان رانده باشد که به اعتقاد من عملی نخواهند شد، ما همچنان باید در پی تحقق خواسته‌های خود باشیم و این نظام را در داخل کشور به چالش بکشیم. وگرنه پیش‌بینی نمی‌کنم که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی و حاکمیت مطلقه‌ی ولی فقیه تغییرات آنچنانی‌ای بوقوع بپیوندد. ما از خاتمی تا کنون را تجربه کرده‌ایم، این امر نباید موجب گردد که ما در داخل کشور دست روی دست بگذاریم و فعالیت و مبارزه‌ی خود را که خوشبختانه در اوج خود قرار دارد، متوقف نماییم.

کوردستان و ایران پس از جنبش ژینا جنبش ژینا در رابطه با یک موضوع سربرآورد. بنظر من ما بعنوان جنبش کورد و حزب دمکرات نباید خواسته‌ها و مطالبات خود را محدود نماییم و باید دائماً مسأله‌ی هویت‌طلبی خود بعنوان یک ملت را تقویت کنیم. حزب دمکرات کوردستان ایران در چارچوب ایران خواسته‌ها و مطالبات خود را دنبال می‌کند و این وظیفه‌ی ماست که این خواسته‌ها را برجسته نماییم و این مطالبات هم زمانی تحقق خواهند یافت که ما در خارج از کوردستان دوستان بسیاری داشته

که به جرات می‌توان گفت در چند سال اخیر مهم‌ترین کارش خواندن نماز میت بوده است اینک به طرز عجیبی از ادعاهای واهی اش کم کرده است! اظهارات پر از ترس او بعد از سقوط بشار اسد مبنی بر بسته بودن مسیرها و نام نبردن از ترکیه نشان می‌دهد دیکتاتور مرگ را بسیار نزدیک تر از همیشه به خود می‌بیند.

جدیدترین سکانس ترس دیکتاتور خواندن میت او بر اساس دو قاضی هلاک شده در تهران است، رهبر خودخوانده جهان اسلام که سالهاست برای همه آرزوی شهادت می‌کند و شهادت را افتخاری برای طرفدارانش می‌داند از ترس جان ناقابلش با جلیقه ضد گلوله نماز می‌خواند!!! داستان دوگانه وهم و ترس در دیکتاتور به آخرین صحنه هایش می‌رسد! جایی که سرتاپای وجود دیکتاتور ترس است و از مهم چیزی باقی‌مانده است! حالا دیکتاتور بیشتر از هر زمان دیگری حقیقت در جلوی چشمانش می‌بیند! آماده دیدن و شنیدن واقعیت‌ها، روردر و بدون لشکری از محافظین و مزدوران! امروز یا فردا! در چاله‌ای، چاهی یا زیر پلی!! یا در دست انقلابیون و ...

باشیم. اگر می‌گوییم که نظام جمهوری اسلامی باید سرنگون شود، بیا باید به جزئیات سرنگونی آن پردازیم، کوردستان هزینه‌ی بسیاری را در اینراه متحمل شده و همواره در صحنه حضور داشته و در مقایسه با دیگر مناطق و شهرهای بزرگ قربانی بسیار داده‌است. شمار زندانیان سیاسی و اعدامها و سرکوب و فلاکتی که بسر مردم کوردستان آمده‌است، با هیچ نقطه‌ی دیگر ایران قابل مقایسه نیست. اما مجدداً تکرار می‌کنم که این نظام از طریق کلان شهرها سرنگون می‌شود، این نظام در تهران سرنگون می‌شود و برای سرنگونی این نظام باید تهران و مشهد و شیراز و اصفهان همراه گردند. راه حل چیست؟ راه حل آنستکه جامعه‌ی مدنی کوردستان ایران و فعالان سیاسی، روشنفکران، دانشجویان دانشگاه‌ها ارتباط گسترده و بهتری با ملت‌های فارس و ترک و همه‌ی مبارزین دیگر مناطق داشته باشند. این مسائل را با آنها درمیان بگذارند. می‌خواهم بگویم که پروژه‌ی سرنگونی جمهوری اسلامی یک پروژه‌ی ایرانی است و این وظیفه و درست پروژه‌ی مختص ما کوردها نیست. درست است، ما خود را کنار نخواهیم گرفت، اما باید برای آن یارگیری گسترده‌ای کرد. به همین دلیل بنظر من خوانش فقط باید این باشد که احزاب کوردستان ایران بویژه حزب دمکرات کوردستان ایران باید در این بازی باشیم هستیم و در آینده‌ی نیز خواهیم بود. مادامیکه در پی حل مسأله‌ی کورد در چارچوب ایران هستیم، باید بصراحت وارد معادلات گردیم و پا پس ننهیم و با آنها همگام باشیم و راه حل نیز فقط همین است، گهگاه برخی مواضع دمکرات نیست، بعنوان نمونه موضعی در سوسیال مدیا وجود دارد که از فارس بعنوان یک ملت و از ایرانی عصبانی است، این عصبانیتها در معادلات سیاسی ما و یارگیری جا و مفهومی ندارد.

جمهوری اسلامی، مبانی فکری و نظام سیاسی



رضا محمدامینی

تاریخ معاصر ایران، بسان ادوار گذشته از آغاز حاکمیت خاندان پهلوی تا کنون سرشار از جنایات و فجایع هولناک بوده است. به قدرت رسیدن رضاخان و تشکیل حکومت بر اساس تئوری "دولت - ملت" در کشور چند ملیتی ایران از همان ابتدا همراه بود با سرکوب خونین اقشار و طبقات مختلف جامعه، دیکتاتوری و تشدید سیاست امحاء ملی - آسمیلیسیون - خلق‌های ایران تحت استیلا و هژمونی ملت بالادست و بطور کلی تأسیس حاکمیتی بود خودکامه و خونریز پس از انقلاب مشروطه. خاندان پهلوی طی ۵۰ سال حاکمیت خود توانستند سیمای کشور را تغییر دهند و ایرانی با ظاهری متمدن به جهانیان بنمایانند. این در شرایطی بود که موج ناراضیاتی خلق‌های ایران علیه حکومت شاهنشاهی بطور فزاینده‌ای در حال گسترش بود. جنگ جهانی دوم و اشغال ایران از سوی متفقین و فروپاشی دستگاه حکومت، سرآغازی بود بر اضمحلال نظام سلطنتی؛ همچنین جهان دو قطبی و آغاز جنگ سرد میان دوجبهه‌ی سوسیالیستی و سرمایه‌داری از سویی و از سوی دیگر گسترش جنبش‌های آزادیخواهی در ایران و تشکیل دو دولت، حکومت ملی آذربایجان و جمهوری کوردستان که متأسفانه عمر کوتاهی داشتند، و جنبش ملی کردن نفت و متعاقب آن کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ و پیامدهای آن، رژیم منفور سلطنتی را بسوی سراسیب سقوط و سرنگونی کشاندند و سرانجام انقلاب ۵۷ طومار نظام پادشاهی را در هم پیچید متأسفانه انقلاب بزرگ و خونین خلق‌های ایران از همان آغاز از سوی خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی به انحراف کشانده شد و رژیمی که پس از سرنگونی سلطنت، حاکمیت را در دست گرفت از بسیاری جهات ددمنش‌تر، ویرانگرتر و خونریزتر از سلف خود بود و در واقع می‌توان گفت توده‌های مردم ایران "از چاله به چاه" افتادند. رژیم پادشاهی حاکمیتی خودکامه و دیکتاتوری بود و هرگونه اعتراض و ناراضیاتی توده‌های مردم را با توسل به سرکوب ددمنشانه، زندان و شکنجه و اعدام پاسخ می‌داد، با این حال این نظام در واقع یک رژیم دیکتاتوری معاصر بسان تمامی حاکمیت‌های خودکامه‌ی جهان بود که توانسته بود با نیروی ارباب و سرکوب در داخل و در خارج با همسویی با آمریکا و کشورهای غربی، حاکمیت خود را محفوظ دارد. اما جمهوری اسلامی نه‌تنها در سرکوب خلق‌های ایران و ارتکاب جرم و جنایت بی‌شمار روی نظام سلطنتی و بیشتر حکومت‌های ضدخلفی را سفید کرده بلکه، خمینی رژیمی واپسگرا و تمامیت‌خواهی را تأسیس کرد که نمونه‌ی آن تا آن زمان شکل نگرفته بود، نظامی بشدت ارتجاعی و قرون وسطایی که ملغمه‌ای بود از یک نظام سترون با فقیه چیست و خمینی و همفکرانش

ظاهری در هیئت جمهوری و بر اساس اسلام شیعی جعفری و تحت سلطه‌ی ولی فقیه بمثابه‌ی نماینده‌ی الله و امام زمان بر روی زمین. این نظامی بود که سرنوشت توده‌های مردم ایران را در ید قدرت خود گرفت. این نوشتار نیم‌نگاهی به چگونگی تکوین حاکمیت جمهوری اسلامی و آینده‌ی سیاسی آن دارد چند طیف و گروه سیاسی و عقیدتی در دوران حاکمیت خاندان پهلوی کمر به نابودی این حاکمیت بسته بودند که بغیر از حزب دموکرات کوردستان که در تبعید بود و پس از جمهوری کوردستان در حال احیا و سازماندهی مجدد، فعالیت سیاسی و نظامی در شهرها گروه‌های دیگر بطور عمده عبارت بودند از: احزاب و سازمان‌های چپگرا با تمامی دیدگاه‌ها و مواضعشان، گروه‌ها و شخصیت‌های ملی که پس از کودتای ۲۸ مردادماه درصد باز یافت خود بودند و گروه‌ها و نخبگان اسلامی با نگرش‌های متغیر که بویژه پس از به‌اصطلاح انقلاب سفید محمدرضا شاه در ابتدای دهه‌ی ۴۰ خورشیدی و اصلاحات ارضی، بشدت به مخالفت با دستگاه حاکمیت برخاستند. این سه نیروی عمده برغم تفاوت‌ها در نگرش و اختلافات عمیق ایدئولوژیک، پیرامون بایستی سرنگونی نظام شاهنشاهی متفق‌القول بودند در این میان و در آستانه‌ی خیزش توده‌های مردم ایران این خمینی و همفکرانش بودند که توانستند رهبری اعتراضات را در دست گیرند. خمینی در نجف در کشور عراق در تبعید بود و با مساعدت آخوندهای همفکرش و همکاری شخصیت‌های مذهبی و ملی‌گرایان لیبرال و حتی بخشی از گروه‌های چپ و مارکسیست، توانست سرکردگی اعتراضات و اعتصاب مردم علیه شاه را در دست گیرد. تردیدی نیست خمینی و آخوندها از سویی در داخل کشور با سود جستن از جایگاه و موقعیت اجتماعی خود، مساجد و هزاران روحانی و طلبه، بزرگترین شبکه ارتباطی را با توده‌های شهری و روستایی ایجاد کردند و از سوی دیگر جنگ سرد و رقابت میان جبهه‌ی اردوگاه سوسیالیستی به رهبری شوروی و اردوگاه سرمایه‌داری به سرکردگی آمریکا مجال مناسبی را پدید آورد تا خمینی و همفکرانش قادر باشند تحت عنوان جمهوری اسلامی، حاکمیت ارتجاعی خود را تثبیت نمایند. آمریکا و کشورهای غربی برای ممانعت از نفوذ و تهدیدات اردوگاه سوسیالیستی، مسیر برسرکار آمدن جمهوری اسلامی را هموار ساختند و بر این باور بودند در چنین حالتی ایران به دامان شوروی نخواهد افتاد. هرچند خمینی نظریه‌ی تشکیل حکومت دینی تحت عنوان حکومت ولی فقیه را طرح کرده بود، ولی همزمان اندیشه‌ی اسلام سیاسی در ایران در حال تکوین بود. روشنفکران دینی همانند جلال آل‌احمد و علی شریعتی و آخوندهایی چون مرتضی مطهری و بطور کلی حوزه‌ی علمیه قم و سایر مراکز مذهبی، تفکر ایجاد حکومت دینی را در بین توده‌های مردم ایران ترویج کرده بودند. خلق‌های ایران نمی‌دانستند حاکمیت ولایت فقیه چیست و خمینی و همفکرانش

سرنوشت و آینده‌ی آنان را به کدام سو سوق خواهند داد. خمینی در تبعید و در پاریس وعده‌های عامه‌پسندی همچون آزادی، ضدیت با استبداد و عدالت اجتماعی را داده بود، لیکن همزمان بر ایجاد حکومت اسلامی تأکید داشت. از سوی دیگر خمینی از همان ابتدا نشان داد هیچگونه اعتقادی به مفهوم ملت و ایرانی بودن ندارد و آنچه از منظر وی حائز اهمیت است "امت اسلامی" است. اساس اعتقاد و اندیشه‌ی خمینی استقرار حکومت ولایت فقیه و تحمیل شریعت اسلامی از دیدگاه مذهب تشیع و "صدور انقلاب"، بدون توجه به قوانین رایج و روابط بین کشورها بود. لذا پس از سرنگونی نظام سلطنتی، خمینی فرآیند فرمایشی "جمهوری اسلامی، بله یا خیر" را به توده‌های مردم ایران تحمیل کرد. در این همه‌پرسی اکثریت مردم به جمهوری اسلامی رأی دادند و بدین سان نظامی مشروعیت خود را از مردم مبهوت و سرگشته‌ی ایران گرفت که از بنیان هیچ باوری به دموکراسی و آزادی‌های فردی و اجتماعی نداشت. خلق کورد در کوردستان ایران و اکثر احزاب و سازمان‌های سیاسی به گواه تاریخ این افتخار را برای خود به ثبت رساندند که در این نمایش مضحک شرکت نکنند و علیه خمینی و نظام تحمیلی وی موضع بگیرند رژیم تازه بنیاد خمینی از همان ابتدا به قلع و قمع و سرکوب مخالفان خود پرداخت و هیچ حزب و سازمان سیاسی، حتی احزابی چون حزب توده که تمام قد حامی جمهوری اسلامی بودند را سرکوب و منحل کرد. هزاران تن از مبارزان و فعالان سیاسی و کسانی که مجدانه در انقلاب ۵۷ شرکت داشتند، بازداشت و شکنجه و اعدام شدند؛ قوانین ارتجاعی و بویژه مغایر با حقوق و آزادی‌های زنان تصویب و تحمیل گردید و برغم مقاومت و ایستادگی کم‌مانند، سرکوب و ارباب و در عین حال ناامیدی و سرگشتگی توده‌های مردم بر فضای ملت‌هت ایران سایه انداخت. رژیم به کوردستان یورش آورد و جنگ نابرابری را به خلق کورد تحمیل کرد که هزاران شهید و قربانی بی‌دفاع در پی داشت. جنگ و مقاومتی که ۲۰ سال بطول انجامید و اینک نیز پیامدهای ناگوار آن پیداست. جمهوری اسلامی با یورش به کوردستان و ملیت‌اریزه‌کردن آن درصد برآمد اراده و مقاومت ملت کورد و احزاب مبارز آن و رهبران جنبش آزادیخواهانه و حق‌طلبانه‌ی کورد را درهم بشکنند در این میان آغاز جنگ میان جمهوری اسلامی و رژیم عراق که ۸ سال ادامه داشت و علاوه بر خسارات عظیم مالی، بیش از یک میلیون کشته، مجروح و معلول برجا گذاشت، فرصت طلایی برای خمینی و جمهوری اسلامی ببار آورد. رژیم توانست از سویی تحت لوای دفاع از ایران در برابر عراق توده‌های مردم را بدور خود گرد آورد و موقعیت خود را تثبیت و تحکیم کند و از سوی دیگر بسیار ددمنشانه‌تر از قبل مخالفان خود را حذف و کوردستان را نیز با گسیل ده‌ها هزار نیروی سرکوبگر به پادگان‌های بزرگ تبدیل نماید و با یورش به شهرها و روستاهای کوردستان و تشدید جنگ با ملت کورد، صدها تن از جوانان کورد را به جوخه‌های اعدام بسپارد. بی دلیل نبود که خمینی باصراحت اعلام کرد "این جنگ نعمت الهی است" از این مرحله به بعد، بویژه پس از نوشیدن جام زهر توسط خمینی و پایان جنگ ویرانگر ۸ ساله و سپس مرگ وی و انتصاب خامنه‌ای به‌عنوان رهبر نظام با حمایت هاشمی رفسنجانی، از سویی روند یکدست شدن حاکمیت و به حاشیه راندن چهره‌های شناخته‌شده‌ی رژیم تسریع گشت

رژیم را سراسیمه، هراسان و در عین حال به وحشت انداخت. این شکست‌ها که عملاً عمق راهبردی رژیم را متلاشی کرد خامنه‌ای و فرماندهان سپاه را هراسان نمود، چراکه باور نمی‌کردند دستاورد چهار دهه تلاش بی‌وقفه و هزینه‌ی صدها میلیاردی و آرمان‌های پوشالیشان با چنین سرعتی نقش بر آب شود. همچنین خامنه‌ای و سران رژیم بیمناکانند؛ بیمناک از اینکه پس از سوریه، کشور عراق و گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی در این کشور نیز بسان بخشی از محور منحوس مقاومت در این میان از دست برود و دست آخر نوبت به کوبیدن سر مار برسد. بی دلیل نیست پس از انتخابات آمریکا و پیروزی دونالد ترامپ، گفتمان جمهوری اسلامی دچار تغییر بنیادی شده است. خامنه‌ای و سران سپاه هراسانند و خطر نابودی حاکمیت خود را احساس می‌کنند و هراس در گفته‌ها و نوشتارهای آنان کاملاً مشهود است. ترس از حملات ویرانگر و گسترده‌ی اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای، موشکی و اقتصادی رژیم خامنه‌ای را برغم سیاست‌های پیشین که بر مدار ضدیت مطلق با آمریکا استوار بود به تعمیق واداشته است، بیهوده نیست از طرفی از ترس واکنش مشترک آمریکا و اسرائیل و برغم تهدیدات و تبلیغات فراوانی که سردادند، عملیات موسوم به "صادق ۲" را به باد فراموشی سپردند و از سوی دیگر برای مذاکره با آمریکای ترامپ ابراز آمادگی کردند. این سیاست‌ها با مبانی اندیشه‌ای و ساختاری خمینی، خامنه‌ای و کلیت نظام در تضاد است و نشان می‌دهد اولویت رژیم در این شرایط حساس و سرنوشت ساز بقای حاکمیت آخوندهاست تردیدی نیست خاورمیانه آبتن حوادث بسیاری خواهد بود و در این میان بدون شک نه خامنه‌ای و نظام فاسد و فاشل جمهوری اسلامی قادر به تطبیق خود با شرایط نوین جهان و خاورمیانه خواهند بود و نه آمریکا و متحدانش در منطقه نقش مخرب رژیم را فراموش خواهند کرد؛ چراکه هیچ اعتمادی به حاکمان جمهوری اسلامی ندارند و نیک می‌دانند این رژیم تا زمانی که برسر قدرت باشد از هر فرستی برای تقویت خود و گروه‌های نیابتی و تداوم سیاست‌های مخرب گذشته سود خواهد برد. فزون بر این، آمریکای کنونی و اسرائیل و سایر کشورهای غربی می‌دانند برای ریشه‌کن کردن کانون آشوب و فتنه در منطقه و استقرار صلح و امنیت و تضعیف رژیم حاکم بر ایران و بازوهای منطقه‌ایش، باید استراتژی و آینده‌نگری همه‌جانبه‌ای داشته باشند؛ این امر نیز مستلزم شالوده‌ریزی مجدد جغرافیای ملی منطقه، حتی‌الامکان، در چارچوب مرزهای جغرافیایی کنونی است؛ به کلامی دیگر مشارکت ملیت‌ها و اقلیت‌های دینی در برخورداری از حقوق و آزادی‌های متعارف جهانی و همچنین در آغاز "تحمیل" دموکراسی و همزیستی مسالمت‌آمیز در بین طرف‌های متخاصم و سپس نهادینه کردن آن؛ معادله‌ای که از اساس با مبانی و اندیشه‌های آخوندهای حاکم بر ایران در تضاد است. بدون تردید آینده و سرنوشت جمهوری اسلامی توسط توده‌های مردم ایران رقم زده می‌شود و این رژیم ضد خلقی، این غده‌ی بدخیم که مردم ایران و خاورمیانه با آن سرستیز دارند، ریشه‌کن خواهد شد

پرویز جباری:

بی شک فرهنگ سیاسی در کوردستان بیشتر متاثر از موقعیت سیاسی و اجتماعی احزاب کوردستانی می‌باشد

● مصاحبه: شهرام سبحانی

اشاره: احزاب سیاسی نقش مهمی در فرآیند دموکراسی و نظام سیاسی در هر جامعه‌ی را دارند و در جوامع مختلف به عنوان نهادهای حیاتی در فرآیند تصمیم‌گیری‌های سیاسی شناخته می‌شوند. در ادامه این گفتگو با سوالاتی نظیر اینکه احزاب چگونه شکل می‌گیرند؟ و چرایی نیاز یک جامعه به احزاب چیست؟ احزاب سیاسی چگونه می‌توانند سیاست‌های موثر برای ارتقای یک جامعه تدوین کنند؟ نقش احزاب کوردستانی در ارتقای فرهنگ سیاسی در جامعه کوردستان بخصوص حزب دموکرات کوردستان ایران چگونه بوده است؟ و... روبرو خواهیم شد که برای پاسخگویی به این سوالات مصاحبه‌ی با آقای پرویز جباری، ناظر و تحلیلگر سیاسی خواهیم داشت.

● **آقای جباری ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتید، ابتدا می‌خواهم با این سوال مصاحبه را شروع کنم که احزاب چگونه شکل می‌گیرند؟ و چرایی نیاز یک جامعه به احزاب چیست؟** برای ورود به بحث و نیز پرداختن به سؤال شما، من نیز از بخش دوم سوال شما آغاز می‌کنم. دقیقاً این نیاز جامعه است که وجود حزب سیاسی را برای ما ضروری می‌کند. این ضرورت نیز ناشی از حیات اجتماعی انسان است. حیات اجتماعی (جامعه) که باید از سوی سیاستمداران و نهادهایی چون احزاب مدیریت و راهبری شود. اساساً حزب سیاسی برآمده از گروهی و یا تعدادی از افراد است که بر پایه بنیادی و جوهری برای کسب قدرت، حفظ قدرت و اعمال قدرت بنا می‌گردد. البته در همین ابتدا باید اشاره کرد نقطه شروع و شکل‌گیری احزاب بنا به بستر و محیط سیاسی برای شکل‌گیری نیز متفاوت می‌باشد. همین بستر و محیط متفاوت در رسالت، کارکرد، ویژگی، ماهیت و عملکرد آنها در دوران حیات سیاسی و در مواجهه با قدرت متفاوت خواهد بود. اساساً احزاب سیاسی بنا به تحول اجتماعی و بستر فرهنگی و سیاسی متفاوت به شیوه‌های مختلف می‌کوشند تا به قدرت دست یابند. این شیوه‌ها بسته به تحولات و پیامدهای مبارزات نیروهای سیاسی می‌تواند از راه انتخابات، انقلاب، مبارزه آزادی خواهانه، استقلال طلبانه، مبارزه حزب پیشرو از راه مبارزات مدنی، مسلحانه و نیز از طریق مبارزات پارلمانی در قالب ائتلاف و جبهه صورت می‌گیرد. هر چند احزاب سیاسی متشکل و پیوسته تر از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی هستند. با این حال برخی از احزاب سیاسی در جهان از دل یک جنبش اجتماعی و سیاسی شکل گرفته‌اند. احزاب اساساً دارای

ساختار، سازماندهی و تشکیلاتی هستند که بنا به نیاز و ضرورت فعالیت سیاسی برای مشارکت سیاسی توده‌ها در قدرت به نقش و فعالیت می‌پردازند. باید به این نکته بسیار توجه کرد که حزب به معنای مدرن آن محصول دوران مدرنیته و دستاورد عصر روشنگری می‌باشد. مناسبات سیاسی و اجتماعی که در قرن نوزدهم اروپا و آمریکا را در بر می‌گیرد در قالب نظام‌های سیاسی و مدل‌های حکومتی، شکل و فرم احزاب جدید را به وجود می‌آورد. همین پیچیدگی در ساختار حکومت‌ها در قالب پارلمانی، ریاستی، ترکیبی از این مدل‌ها و نیز نظام‌های دیکتاتوری و اقتدارگرا تا فاشیستی خود به پیچیدگی کارکرد و ویژگی‌های احزاب سیاسی در حوزه سیاست و مدیریت سیاسی جامعه افزوده است. همین ویژگی حیات سیاسی است که نیاز ما را برای احزاب سیاسی دو چندان می‌کند، چرا که وجود احزاب گوناگون با دیدگاه‌های متفاوت، تضمین‌کننده حضور تنوع و تکثر در عرصه سیاسی و اجتماعی یک کشور است. یک حزب معمولاً دارای دیدگاه‌ها و برنامه‌های راهبردی مشترکی در زمینه مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی می‌باشد. به نوعی می‌توان گفت حزب در قالب اپوزیسیون قانونی به عنوان دولت سایه نیز عمل می‌کند و از راه‌های مختلف برای تحقق اهداف و سیاست‌های خود در قالب سیاسی و قانونی تلاش می‌کند.

● **احزاب سیاسی چگونه می‌توانند سیاست‌های موثر برای ارتقای یک جامعه تدوین کنند؟**

احزاب سیاسی، از ارکان و پایه‌های توسعه سیاسی و دموکراسی به شمار می‌روند. احزاب نقش محوری و اساسی در بسیج و هدایت افکار عمومی، ارائه برنامه‌های سیاسی و روند رقابت سیاسی بر سر کسب قدرت و انتقال مسالمت‌آمیز آن از طریق انتخابات ایفا می‌کنند. وجود احزاب گوناگون با دیدگاه‌های متفاوت، تضمین‌کننده حضور تنوع و تکثر در عرصه سیاسی و اجتماعی یک کشور است. احزاب تا اندازه‌ای تابع ساختار سیاسی و نظام سیاسی یک کشور نیز می‌باشند در حالی که قانون اساسی و قوانین فعالیت حزبی و دولتی در نظام‌های دیکتاتوری و غیردموکراتیک را پذیرا شده‌اند. به نوعی این احزاب را می‌توان بخشی از حاکمیت دانست که برای پیشبرد سیاست‌های کلی نظام سیاسی همانند یکی از ارگان‌های حکومت عمل می‌کنند. اما احزاب سیاسی با سابقه و دارای کارنامه و عمل سیاسی که حیات و بقای آنان در اندیشه و پیام سیاسی و نیز از حمایت مردمی برخوردار می‌باشند. همواره روحیه مبارزاتی و مردمی خود را با ارائه برنامه‌های مختلف در زمینه عدالت، آزادی، توسعه و پیشرفت جامعه، همواره

حفظ می‌کنند و به پیش می‌برند. احزاب در اصل هدف و سیاست خود را مشارکت و همراهی مردم در سیاست بر اساس مکانیسم حزبی می‌دانند. این مکانیسم از آموزش تا نمایندگی مردم در سیاست و مدیریت سیاسی در قالب یک حزب را طی می‌نماید. احزاب این مشارکت را در یک دستگاه سیستماتیک حزبی قرار می‌دهند که در آن مشارکت در امور سیاسی در قالب حزب از سوی مردم صورت خواهد گرفت و این یک روند دموکراتیک برای نقش و جایگاه مردم می‌باشد در تعیین سرنوشت سیاسی خود در حوزه‌های مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی احزاب با مشارکت دادن مردم در امور سیاسی خود همچنین به تقویت جامعه دموکراتیک و نهاد سازی اجتماعی کمک می‌کنند. اساساً این روند از راه آموزش صورت می‌گیرد. هر چند یک از کارکردهای اولیه احزاب کسب و اعمال قدرت می‌باشد. اما در یک جامعه دموکراتیک و توسعه یافته از لحاظ شاخص‌های سیاسی و اجتماعی احزاب به عنوان واسطه بین مردم و قدرت عمل می‌کنند. آنان با زبانی مدیریت شده، دموکراتیک را بر اساس مکانیسم مشخص، مطالبات و خواسته‌های جامعه را از پایین‌ترین سطح به عالی‌ترین سطح از مدیریت سیاسی یک جامعه انتقال می‌دهند. این امر بر اساس مکانیسم و ساختار یک حزب سراسری و منسجم صورت می‌گیرد. چرا که بر اساس ساختار و تشکیلات خود در تمام عرصه‌ها و بخش‌ها در ارتباط ارگانیک و منسجم با مردم و اعضا خود عمل می‌کند. احزاب همچنین در رقابت سیاسی از مکانیسم‌های نظارتی و کنترل نیز برخوردار هستند تا بر عملکرد حزب حاکم و سیاست‌های آن در تمام بخش‌ها نظارت داشته باشد. این ویژگی‌ها و رفتارهای حزبی اساساً در قالب نهاد حزبی صورت می‌گیرد و کادرها و رهبران حزبی بر اساس سیاست و برنامه حزبی آموزش خواهند دید. در مجموع باید گفت: در تقویت جامعه دموکراتیک و توسعه نهادهای اجتماعی احزاب سیاسی نقش محوری در تقویت دموکراسی و ارتقای کیفیت حکمرانی در یک کشور ایفا می‌کنند. اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت در دوران مبارزه نقش احزاب سیاسی برای رهایی و آزادی فراتر از کارکرد احزاب پسا تاسیس دولت و کشور می‌باشد

● **به نظر شما نقش احزاب کوردستانی در ارتقای فرهنگ سیاسی در جامعه کوردستان بخصوص حزب دموکرات چگونه بوده است؟**

بی‌شک فرهنگ سیاسی در کوردستان بیشتر متاثر از موقعیت سیاسی و اجتماعی آن می‌باشد. این موقعیت همواره در حالت مبارزه و مقاومت بوده است. در دل همین مقاومت و مبارزه، کوردها سیاست



را آموختند و فرهنگ سیاسی خود را ارتقا بخشیدند. این فرهنگ سیاسی در کوردستان عناصر پر رنگی از هویت ملی، جامعه دموکراتیک، کرامت محیط زیست برای زیست عمومی، برابری اجتماعی و حقوقی و مبارزه برای عدالت، برابری، آزادی، صلح، توسعه، مدارا، تساهل، پویایی فرهنگی، آشتی سنت و تاریخ با سرزمین زاگروس و بسیاری مقولات دیگر را در بر گرفته است. از آنجا که کوردها در خانه و سرزمین خود همواره در حال مبارزه با شاه و شیخ بوده‌اند و رژیم‌های حاکم بر کوردستان سیاست سرکوب و حذف سیاسی و هویتی را داشته‌اند. احزاب کوردی و به ویژه حزب دموکرات کوردستان ایران که از دل و میان ملت خود سر برآورده، رشد کرده و به یک نهاد سیاسی بزرگ تبدیل شده است. به عنوان حزب پیشرو و مدرن در کوردستان شرقی در اصل مسئولیت و رسالت همین ارتقای سیاسی و فرهنگی را در کوردستان برعهده داشته است. مقاومت کوردها در طی دوران جدید شکل‌گیری دولت مدرن و فاشیستی در ایران با پرچم و رهبری حزب دموکرات بوده است که به نوعی می‌توان گفت در تمام این سال‌ها در برابر سلطنت و ولایت، تمام بخش‌ها و کارکردهای یک حزب سیاسی را به اندازه توان و موقعیت خود پوشش داده است. حزبی با برنامه، اساسنامه و ساختار و رهبری در حال مبارزه که با هر نوع شیوه‌ای از سوی حکومت‌های مرکزی و بیگانگان سرکوب شده است، اما کماکان فرهنگ سیاسی مبارزه، مقاومت و آموزش را تا اندازه بسیار زیادی در جامعه برعهده داشته است. این را هم باید اضافه کرد که حزب دموکرات به عنوان سیاسی‌ترین و حزب مادر در کوردستان به دلیل عمر سیاسی خود که همواره در حال مبارزه بوده است علاوه بر مبارزه برای رهایی، مسئولیت و رسالت آموزش و دفاع در جامعه کوردی را در تمام حوزه‌ها برعهده داشته است هر چند که در ساختار قدرت حاکم نبوده است و یا خود موسس یک نهاد سیاسی به عنوان دولت ملت در کوردستان حضور نداشته است. اگر دوران کوتاه جمهوری کوردستان را در دهه بیست خورشیدی را که تجربه بسیار موفق‌تری هم بوده است، بتوان مثال زد به این نتیجه می‌رسیم که این حزب در

● **چرا تحلیل و بررسی نیازهای جامعه برای احزاب سیاسی ضروری است؟**

در اصل خود احزاب بر اساس نیاز جامعه در اداره کشور و مدیریت سیاسی می‌باشد که شکل می‌گیرند. انسان‌ها در حیات سیاسی و زندگی اجتماعی خود ضرورتی را دیده‌اند که به تشکیل احزاب پرداخته‌اند. انسان‌ها برای رویارویی با بحران‌های زندگی در حوزه مسائل سیاسی و مدیریت جامعه و کشور نیاز به احزاب دارند. در همین راستا است که احزاب تلاش می‌کنند با بهره گرفتن از دانش مدیریت نیروی انسانی و فلسفه سیاسی برای بنا کردن جامعه مطلوب و مفید به ارتقای فرهنگی، دانش سیاسی، مشارکت عمومی در اداره جامعه بپردازند. این امر در دنیای امروز تنها از عهده احزاب مدرن با ساختار دموکراتیک که در آن چرخش نخبگان و ارتباط سیستماتیک با جامعه میسر می‌باشد به پیش می‌رود. احزاب بر اساس همین دانش، مطالعه و تحقیق و نظرسنجی در خصوص موضوعات مختلف است که می‌توانند دارای تجربه و تحلیل درست باشند تا بر اساس آن بتوانند سیاست نمایند و در حوزه مدیریت سیاسی کلان و خرد برنامه‌ریزی، اجرا و عملیاتی داشته باشند که به نتایج مطلوب برسد. چرا که بر اساس نتایج مطلوب و کارآیی در سیاست و مدیریت جامعه است که شانس در قدرت ماندن برای یک حزب سیاسی را افزایش می‌دهد. بر اساس دستاوردها و عملکردها در بخش داخلی و سیاسی اداره یک کشور و جامعه سیاسی است که میزان موفقیت و محبوبیت یک حزب و کاندیدهای آن را در رقابت سیاسی در نهادهای مختلف افزایش می‌دهد. در همین راستا باید بر این فلسفه وجودی احزاب در جامعه دموکراتیک تاکید کرد که همین ذات و ضرورت وجودی احزاب در تجزیه و تحلیل جامعه است که آنها را شکل می‌دهد. بی‌شک بقا و موفقیت خود باید بتوانند درست جامعه و سیستم حزبی را مدیریت کنند. این امر

تبعیض جنسیتی و موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران



رامین عمرزاده

زنان در عرصه مشارکت سیاسی زنان در ایران وجود دارد. در واقع می‌توان گفت که، هدف از طرح موانع شبه قانونی وجود واژه‌ها و الفاظی است که دارای معانی چند مجهولی است که فرادستان قانون، یعنی علما و روحانیون در بندهای قانون اساسی علیه زنان به کار می‌برند و زمینه تصدی مقام و ریاست را از زنان نفی می‌کند. برای نمونه کاربرد واژه (رجال) در کسب مقام ریاست جمهوری زمینه مردانه بودن این مقام را از زنان سلب کرده است، هرچند بسیاری با ارائه دلایلی سعی داشته‌اند این واژه را به گونه‌ای باز تعریف کنند که هدف مردون نیست ولی آنچه در واقع مشاهده می‌شود تاکنون در تاریخ جمهوری اسلامی هیچ زنی نه برای این مقام انتخاب شده و نه توانسته به این مقام دست یابد. همچنین با ارجاع به اصل قانون اساسی که حضور زنان را در جمع حقوقدانان، فقهای شورای نگهبان، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام و ریاست قوه قضائیه و نهاد ریاست جمهوری را قانونی اعلام کرده و در هیچ کدام از بندهای ویژه این مناصب به لحاظ قانونی به جنسیت یا ذکوریت منتخبین برای کسب منصب سیاسی اشاره‌ای نشده است، اما آنچه محرز است از یک طرف قدرت فرا قانونی روحانیون و حاکمیت سیاسی، و از طرف دیگر تفسیر و تحلیل شبه قانونی واژه‌ها و مفاهیم چند پهلو در بندهای قانون اساسی در جهت افکار و ایدئولوژی نظام و ساختار مردسالارانه مانع از آن شده است، که در طول عمر ساختار سیاسی شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مقام ریاست جمهوری، ریاست قوه قضایی در نیاید.

ایدئولوژی مذهبی: یکی از عوامل موانع مشارکت سیاسی زنان موانع فرهنگی -اجتماعی از جمله ایدئولوژی مذهبی است. این موانع متأثر از باورها و نگرش‌های فرهنگی و مذهبی مردانه سیاستمداران جامعه است. در بحث موانع فرهنگی - اجتماعی نظریه تفاوت جنسیتی نیز وجود دارد که جهت تبیین نهادی تفاوت‌های جنسیتی بر کارکردهای متمایز زنان در زایمان و مراقبت از کودکان تأکید می‌کند. هر چند برخی متفکران تبیین نهادی و

تفاوت جنسیتی، تقسیم کار جنسیتی را به عنوان ضرورت اجتماعی می‌پذیرند، اما برخی دیگر معتقدند که در عرصه‌های جداگانه زندگی زنان و مردان ممکن است که با الگوهای گسترده‌تر نابرابری جنسیتی ارتباط داشته باشد. با این حال همه بر سر این موضوع که بین انتخاب کنندگان و منتخبین یک نوع عدم تناسب به چشم می‌خورد، متفق القول هستند. بنابراین کمی حضور زنان در مناصب و مشارکت سیاسی نشان از وجود موانع فوق است.

موانع نهادی و ساختاری:

نهادی و ساختاری در ایران از مهم‌ترین موانع مشارکت سیاسی زنان به شمار می‌آیند و دلیلش وجود محدودیت‌هایی است که در این نهادها و ساختارها علیه زنان وجود دارد. عواملی چون سیستم‌های سیاسی، قوانین انتخاباتی، ساختار سیاسی احزاب، فرهنگ سازمانی و روند تامین مالی مبارزات انتخاباتی، که تمایل به تبعیض علیه زنان دارند را از جمله از موانع نهادی و ساختاری در ایران برمی‌شمارد. جهت تأیید پاراگراف فوق در خصوص موانع نهادی و ساختاری در مشارکت سیاسی زنان در ایران می‌توان به رد صلاحیت زنان در انتخابات ریاست جمهوری و ریاست قوه قضایی و سایر نهادهای حکومتی اشاره کرد به گونه‌ای که نظام حاکم از طریق وضع قوانین انتخاباتی، تامین نیروهای مخالف منافع زنان سعی بر عدم مشارکت زنان در کسب مناصب سیاسی را دارند. ساختار بسته و انقباضی مذکور در احزاب، نهادهای اجتماعی زنان، که با هدف دستیابی به حقوق اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی ایجاد نموده‌اند را نبود، تضعیف یا تحقیر می‌کند. غالباً نهادهای که برای زنان ایجاد شده دولتی هستند که با رویکرد بالا به پایین به جای رفع معضلات زنان، سعی در حفظ وضع موجود زنان در ساختار جامعه دارند. در حالی که جامعه برای حیات و پویایی نیاز به رابطه و دیالکتیک خود-دیگری در امور سیاسی دارد، در ضمن تحقق دموکراسی، وفاق و همگرایی را بین مردان و زنان در سطح جامعه بوجود آورد. در ساختارهای نهادی معمولاً نهادهای زنان

دولتی و وابسته به ساختار سیاسی هستند و سایر نهادها غیردولتی کمتر فرصت طرح علایق و منافع می‌یابند. با توجه به التزام این نهادها برای احقاق حقوق زنان، اولین کار ویژه و دستور کارشان به جای حمایت برای خلق سوژه زنانه، پیروی صرف از اغراض حزبی و دولتی است که از بالا به پایین به آنها دیکته می‌شود، بدین ترتیب سوژه زنانه، نهاد مستقلی که قانوناً مورد حمایت نظام سیاسی در ایران باشد را در اختیار ندارد تا با حمایت آن به شکل قانونی علایق و منافع خود را پیگیری کند. در نتیجه با توجه به ذکر عوامل گوناگون، که بدون شک در مشارکت سیاسی زنان در جامعه کنونی ایران تأثیرگذارند، آنچه زمینه شکل‌گیری تبعیض و خشونت علیه حقوق زنان را فراهم ساخته است، از یک طرف عدم وجود یک ساختار دموکراتیک و آزاد است که حاکمیت مطلقه با دیدگاهی زن ستیزانه نه تنها با آفرینش عوامل گوناگون مانع از مشارکت زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌شود، بلکه زمینه به عقب راندن آنان در نهاد خانواده با حاکمیت مردان را بوجود می‌آورد. و از طرف دیگر واضح ترین و پر تنش‌ترین تضادهای ساختار سیاسی جمهوری اسلامی از دیدگاه بنیانگذار نظام در عرصه حقوقی و ایدئولوژیکی و سیاسی در مسائل زنان و در عرصه جنسیت و سکسوالیته به نمایش درآمده است. حقوق زنان، یکی از چند مسائل کلیدی بود که قربانی انقلابی شد که خیلی زود در مسیری واپس‌گرایی و ارتجاعی قرار گرفت، عواملی چون اجباری شدن حجاب توسط بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و لغو اصلاحات ایجاد شده در قوانین خانواده، برکناری زنان قاضی از شغل قضاوت و برنامه‌های تبعیض‌آمیز و زن ستیزانه مشابه دیگر و در مقابل نگرشی صرفاً اسلامی و مذهبی به جایگاه حقوقی زنان که خود را در خواست‌های ایدئولوژیکی به مانند تداوم نهضت اسلام، حقوق زن با دیدگاهی اسلامی، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مطابق با موازین اسلامی و مواردی مشابه که آن را در دیدگاهی ایدئولوژیکی برجسته می‌کند. دیدگاه تبعیض‌آمیز جنسیتی به زنان در تاریخ ایران همواره مخالف حضور زنان در امور سیاسی بوده و این امر موجب آن شده است که فاصله بین حاکمیت‌ها و زنان در جامعه ایران بیش از پیش افزایش یافته و زنان خود را جزئی از جامعه سنتی

و مردسالار ندانند و همین امر زمینه شکل‌گیری اعتراضات و انقلاب‌های را بوجود آورده که بارزترین آن، انقلاب "زن، ژیان، نازادی" (زن، زندگی، آزادی) است که در چهارچوب دیدگاه تبعیض‌آمیز و ایدئولوژیک و زن ستیزانه حاکمیت بر آن طیف اکثریت جامعه زنان ایران با همه باورها و از همه ملت‌ها سرچشمه گرفت. حرکتی انقلابی که با قتل حکومتی دختر کورد به دست نیروهای به اصطلاح گشت ارشاد، سرآغاز حرکتی نوین در راستای احقاق حقوق سیاسی، اجتماعی خود در فردای پس از جمهوری اسلامی شد، حرکتی که نه تنها زمینه اتحاد و همبستگی را بین تمام اقشار جامعه بوجود آورد، بلکه زمینه خودباوری و اعتماد به نفس از دست رفته نیمی از جامعه که زنان باشند را به آنان برگرداند و این خود موجی از خواسته‌های خفته جامعه زنان را در سطح جامعه شعله‌ور کرد. انقلاب "زن، ژیان، نازادی" به لحاظ مضمون اساسی خود جنبش بازیابی کرامت انسانی است که توسط حاکمیت مطلقه و ایدئولوژیک سعی بر نابودی آن را داشته‌اند. در واقع تنها راه بازپس‌گیری این کرامت انسانی و احقاق حقوق زنان در ایران با همه دیدگاه‌ها و افکار گوناگون وجود یک ساختار آزاد و دموکراتیک و گذار از ساختار فاسد و مردسالار مذهبی جمهوری اسلامی است.

منابع:

- هواسی، علی اشرف و دیگران (۱۴۰۱). موانع مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران. مقاله علمی پژوهشی، سال ۱۳، شماره ۲
- میر علی سید خونندی، زینب و دیگران (۱۴۰۱). ظرفیت سیاست و نقش آن در مشارکت سیاسی زنان ۱۳۷۶-۱۳۹۸. مقاله علمی پژوهشی، سال ۵، شماره ۳
- جنیدی، مریم و لیلیا سنگی (۱۳۹۷). موانع و چشم اندازهای مشارکت سوژه ی زنان در امر سیاسی ایران، فصلنامه علمی، پژوهشی، سال نهم، شماره سوم
- خواجه سروی و رشید جعفرپور کلوری (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مشارکت سیاسی در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی ایران. مطالعات علوم اجتماعی، سال یازده، شماره ۴

مجلس فرانسه: سپاه پاسداران به لیست سازمان‌های تروریستی افزوده شود



مجلس ملی فرانسه طی قطعنامه‌ای با اکثریت آرا از دولت این کشور و اتحادیه اروپا خواست که سپاه پاسداران و نیروهای وابسته به آن را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دهند

پارلمان فرانسه با اشاره به نقض جدیو گسترده حقوق بشر توسط مقامات رژیم ایران و سپاه پاسداران در جریان خیزش انقلابی ژینا، خواسته‌اند که سپاه پاسداران و نیروهای وابسته به آن از جمله نیروی قدس و بسیج به لیست سازمان‌های تروریستی اضافه شوند نمایندگان فرانسه نقض حقوق بشر در ایران، صدور و اجرای مجازات اعدام بعنوان ابزاری برای ارباب و وحشی‌گری رژیم ایران علیه زنان و دختران را شدیداً محکوم کردند 105 نماینده مجلس ملی فرانسه

که عدالت را برقرار و به اعتراضات این جنبش و خانواده‌های آنان غرامت بپردازد و با گزارشگر ویژه و هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل همکاری کند در این قطعنامه از دولت فرانسه نیز خواسته شده تا به تلاش‌های خود در سطح اروپا برای پاسخگو کردن مقامات رژیم ایران در دادگاه‌های بین‌المللی و نیز گسترش رژیم تحریم‌ها علیه رهبران این رژیم که در نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر زنان و دختران در ایران نقش دارند، ادامه دهد پیشتر نیز پارلمان اروپا در مورخ ۴ بهمن‌ماه طی قطعنامه‌ای سرکوب و نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران توسط جمهوری اسلامی را محکوم و خواستار آزادی فوری پخشان عزیز و وریشه مرادی شده بود

عدم پرداخت مطالبات کشاورزان توسط کارخانه قند نده



چغندرکاران نده همچون سالیان گذشته به عدم پرداخت مطالبات و عدم پایبندی مسئولان کارخانه قند این شهرستان به تعهدات خود اعتراض کردند.

جمعی از کشاورزان چغندر قند در شهرستان نده در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود پس از گذشت بیش از ۴ ماه از تحویل محصولات خود در محوطه کارخانه قند این شهرستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

چغندرکاران معترض اعلام کردند که کارخانه قند نده تاکنون از پرداخت مطالباتشان از جمله پرداخت پول، شکر و تقاله امتناع کرده است. این کشاورزان اعلام کردند که تاکنون پیگیری‌ها و اعتراضات آنان نتیجه‌ای نداده است و خواستار رسیدگی توسط نهادهای مربوطه و واحدهای نظارتی شدند. کشاورزان معترض همچنین با اشاره

به هزینه‌های بالای کاشت، داشت و برداشت چغندر اعلام کردند که اکنون کلی بدهی دارند و مسئولان کارخانه قند نده به آنان ظلم می‌کنند. شهرستان "نדה" یکی از قطب‌های کشت چغندر در سطح استان ارومیه به شمار می‌رود، ولی کشاورزان از زمان کشت تا برداشت محصول با مشکلات عدیده‌ای همچون تامین بودجه کافی و کود شیمیایی مواجه بوده و هنگام تحویل آن نیز با بدهی‌های کارخانه قند در خصوص پرداخت به موقع پول روبرو هستند.

ضرورت استراتژیک به حمایت از حاکمیت سیاسی مردم کورد



قومی و فرقه‌ای از عوامل اصلی ناآرامی و بی‌ثباتی به شمار می‌آیند. مردم کورد دارای فرهنگی منحصر به فرد و تاریخی پربار هستند که در صورت داشتن



دکتر مجید حقی

در افق ژئوپلیتیکی خاورمیانه که همواره در حال تغییر است، آرمان تعیین سرنوشت مردم کورد، چراغ امید و عامل هماهنگی محسوب می‌شود. اسرائیل که از زمان پیدایش خود با تهدید انقراض مواجه بوده است، باید اهمیت حمایت استراتژیک از

ملت کورد را به عنوان راهی برای دستیابی به حاکمیت سیاسی خود درک کند. مردم کورد، که سال‌ها برای دموکراسی و حقوق بشر مبارزه کرده‌اند، قادرند تعادل بین نیروهای مسلط در منطقه را به نفع جهانی دموکراتیک و توسعه‌یافته حفظ کنند.

برای اسرائیل و کشورهای عربی مانند عربستان سعودی، حمایت از آرمان‌های مردم کورد نباید صرفاً به عنوان یک ژست سیاسی همبستگی تلقی شود، بلکه باید به عنوان یک ضرورت راهبردی محسوب گردد. مردم کورد نقش اساسی در مقابله با نیروهای افراطی و تروریستی مانند داعش و دیگر گروه‌های افراطی منطقه داشته و توانمندی‌های خود در مدیریت و اجرای اهداف مشترک را به جهانیان اثبات نموده‌اند. تجربه مردم کورد در جنوب و غرب کوردستان نشان داده است که این ملت می‌تواند کلید حل مسئله، همزیستی و عدالت در منطقه‌ای باشد که مشکلات

که بر روی آن بنا شده است کوشیده است از موقعیت‌ها و شرایط برای ارتقا و تحلیل و دانش سیاسی و اجتماعی برای تحقق اهداف و آرمان‌های مردم و حزب غافل نباشد. بر اساس سنت احزاب مدرن و نیز با داشتن یک روحیه مبارزاتی، ملی و دموکراتیک توانسته است از ظرفیت‌های در حوزه‌های آموزش و دانشگاهی برای ارتقا دانش سیاسی، مدیریت و همگرایی سیاسی بهره بگیرد. این حزب در سنگر مبارزه و مقاومت از تجربه‌های مختلفی برای شناخت و آگاهی از دشمنان و مبارزه در میان مردم سود برده است

● آیا حزب گریزی در کوردستان وجود دارد؟

ابتدا باید این موارد را در نظر گرفت که حزب و فعالیت حزبی که در تضاد با سیاست‌ها و برنامه‌های رژیم باشد، به صورت رسمی در کوردستان وجود ندارد و این سابقه بسیار طولانی دارد. احزاب نمایشی و وابسته به حاکمیت که هیچ پایگاه اجتماعی و تاریخی در میان مردم کورد ندارند، بر مردم تحمیل شده‌اند که اساساً ملت کورد هیچ تمایلی به آنها نداشته و در عمل از این تیپ احزاب حکومتی رویگردان و گریزان هستند. خیلی خوب است که خوانندگان جوان شما این را بدانند وقتی در کوردستان می‌گویند حزب، عموم مردم در نگاه اول در ذهنشون (حزب دموکرات کوردستان ایران) تداعی می‌شود. این نفوذ، احترام، سابقه و محبوبیت تا آنجا است، وقتی در صحبت و محاوره اولیه، کسی می‌گویند حزب، ناخواسته مخاطب و شنونده در نگاه اول، حزب دموکرات برایش تداعی می‌شود و می‌داند منظور گوینده کدام حزب است. هیچ نظرسنجی مستقل و آزاد و در یک فضای سیاسی آزاد تا به امروز به ما نمی‌گوید که مردم در کوردستان از احزاب خود گریزان هستند و این احزاب جایگاهی ندارند. اساساً در یک نظام ولایی و استبدادی که هیچ گونه سنخیتی با ملت کورد و سرزمین آنها ندارد، بستر و زمینه‌ای به صورت قانونی وجود ندارد تا شاهد نفوذ و عمق حضور یک حزب سیاسی باشیم. با قاطعیت می‌توان گفت: نه، در کوردستان حزب گریزی (حزب دموکرات کوردستان ایران) و احزاب دیگر با تمام فشارها و سرکوب‌ها وجود ندارد. حزب و احزابی که غیر قانونی و ممنوع از فعالیت در خاک

ادامه صفحه ۵

بدون بهره گرفتن از نهادهای آموزشی، دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها برای تربیت کادر سیاسی برای احزاب ممکن پذیر نمی‌باشد. یافتن راهکارهای مناسب برای ارتقا رضایت مردم از عملکرد احزاب در حوزه مدیریت سیاسی منجر به ادامه مدیریت سیاسی یک حزب در قدرت سیاسی می‌گردد و این از فلسفه وجودی یک حزب که حفظ و اعمال قدرت است، دور نمی‌باشد

● در ارتباط با سوال قبلی این ضرورت تا چه اندازه در احزاب کوردستانی (با تاکید بر حزب دموکرات کوردستان ایران) بازتاب داشته است؟

حزب دموکرات کوردستان یک حزب مدرن و ملی دموکراتیک با اساسنامه‌ای معین و مشخص در طول دوران مبارزه یک سنت دموکراتیک را بر اساس فرهنگ و سنت کوردی تجربه کرده است. این حزب پیوند عمیق فکری، عاطفی، سیاسی، تاریخی و تشکیلاتی با مردم کورد در کوردستان و فراتر از کوردستان دارد. در اصل رسالت حزب و مردم برای کوردستان یکی و در یک مسیر است. این حزب که برآمده از خواست و اراده فرزندان ملت کورد است از زمان تاسیس تا به امروز بر اساس تحلیل و شناخت از ضرورت‌های جامعه کوردستان در صدد تحقق رویاها و خواست ملی و تاریخی کوردها بوده است. حزب دموکرات هر چند بعد از تجربه جمهوری به رهبری پیشوا، مجدداً به مراخل پسا تاسیس یک حاکمیت سیاسی در قالب‌های مختلف نرسیده است، اما همچنان خود را مسئول در برابر مردم و نیازهای آنان در امر سیاسی می‌داند. در همه بخش‌ها در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، هویتی، سیاسی و اجتماعی تلاش کرده است که پاسخگوی خواست و نیازهای ملت کورد بر اساس تحولات و شرایط زمان باشد. هر چند که این حزب همواره از زمان تولد تا به امروز در حال مبارزه و مقاومت برای پاسداشت از هویت و کین کوردی ملت بوده است. با این حال توانسته است خواست و مطالبات آنان را بر اساس ضرورت زیست سیاسی جامعه سیاسی کوردها نمایندگی کند. این حزب بر اساس روحیه و مبانی فکری و نظری

احزاب کوردستانی اپوزیسیون برانداز نظام هستند. که در سال‌های مبارزه با رژیم تجربه زیادی را کسب کرده‌اند. اساساً در دوران مبارزه ریسک و هزینه کار سیاسی و حزبی بسیار بالاست. با این حال احزاب کوردستانی از پایگاه نسبتاً بالایی در میان مردم برخوردار می‌باشند. بهره گرفتن از کارکردهای احزاب مدرن و مردمی در دوران مبارزه زمینه و بستری است برای جذب و حفظ اعضا و هواداران. در مقایسه با سایر احزاب اپوزیسیون و حتی در درون نظام و نیز احزاب حکومتی احزاب کوردی از میزان بسیار بالایی از نیروی جوان، متخصص، با تجربه و تحصیلات در داخل و خارج ایران به ویژه در اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزلند برخوردار می‌باشند. در این احزاب چند نسل در کنار هم تجربه کار سیاسی را دوباره تجربه می‌کنند. این یکی از همان روش‌های جذب اعضا حزبی می‌باشد که تا اندازه‌ای گریزان بودن از کار سیاسی را کمتر می‌کند

هر چند یک حزب سیاسی در محیط سیاسی و میان مردم خود نتواند به صورت علنی و بدون محدودیت حضور داشته باشد. میزان ریسک کار حزبی برای مردم و نیز یک حزب بسیار بالا می‌رود. این موارد همواره از راه سبک و متدد کار حزبی به نوعی رعایت می‌شود تا بتوان امنیت اعضا را حفظ کرد و در مسیر و باور حزبی نگه داشت. بر اساس سنت احزاب سیاسی در کوردستان، پیوستن افراد به این احزاب از روی اختیار و باور قلبی و درونی به مبارزه می‌باشد، هیچ مکانیسم اجبار و کنترلی برای ماندن در صفوف احزاب وجود ندارد. اما سنت مبارزه و باورمند بر اساس مطالبات و خواست ملی و دموکراتیک، پیوستگی و در سنگر مبارزه ماندن آنها را تا اندازه‌ای حفظ می‌کند. احزاب با بسیاری محدودیت‌ها و فشارها از جوانب مختلف تلاش می‌کنند با بهره گرفتن از کارکردهای مختلف یک حزب سیاسی، خود را با مطالبات مردم و اعضا خود هماهنگ نمایند. این یکی دیگر از روش‌هایی است که جلوگیری می‌کند از ریزش اعضا و ماندن در راه و مسیر مبارزات حزبی. بی‌شک احزاب در طی چند دهه تجربه عملی و میدانی در سیاست به مرحله‌ای رسیده‌اند که می‌توانند ضمن تمرکز بر ارتقای تحلیل و شناخت از دشمن خود، زمینه را برای بهره گرفتن

و خانه خود هستند، با این حال انتخاب اول مردم هستند. برای زندگی سیاسی خود. به این احزاب نگاه می‌کنند. قطب نمای سیاسی آنها همین احزاب هستند. با ارتباط، فعالیت و نیز عضویت در این حزب برنامه، آرمان و اهداف سیاسی این حزب را برای مقاومت و مبارزه با دشمنان ملت کورد بر می‌گزینند. این مردم در مقاطع مختلف حزب را نماینده بیشتر مطالبات و خواسته‌های تاریخی خود در حوزه‌های مختلف می‌دانند. دختران و پسران خود را در سنگر همین احزاب می‌بینند که برای مبارزات تاریخی، ملی و دموکراتیک کوردها مبارزه می‌کند. با تمام هزینه‌های که برای آنها وجود دارد، اما سمبرها، آرمان‌ها، پیام‌ها و یادبود های حزب دموکرات و سایر احزاب را نه تنها فراموش نمی‌کنند بلکه برای زنده نگه‌داشتن آنها نیز مبارزه می‌کنند. در یک فضای آزاد و دموکراتیک با هر مکانیسمی برای انتخاب آزاد مردم، موقعیت و جایگاه احزاب در کوردستان بیشتر معین و شکوفاتر نیز می‌شود. مردم این احزاب را میراث تاریخی، فرهنگی، سیاسی و یادگار رهبران شهید و شهدای ملت خود می‌دانند. همواره برای بالندگی، رشد و توسعه آنان تلاش کرده‌اند و می‌کنند، بی‌شک این از دید دشمنان ملت مخفی نامانده است که با تمام شیوه‌ها و از راه‌های مختلف علیه این احزاب توطئه می‌کنند

● در ارتباط با سوال قبلی اگر حزب گریزی وجود دارد، نظر شما به عنوان یک ناظر و تحلیلگر سیاسی در این رابطه چیست و چه راه‌حلهایی برای این مساله در نظر دارید؟

همچنان که می‌دانید احزاب در کوردستان در حالت استقرار، فعالیت آزاد و علنی در میان مردم خود نیستند. در این زمینه فقط بخش تشکیلات مخفی و تا اندازه‌ای رسانه همانند تلویزیون ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی می‌باشند که اینان خود با مشکلات و کنترل‌های مختلفی در زمینه اینترنت و فیلترینگ مواجه هستند، که خود تابع محدودیت‌هایی است که نمی‌توان بیشتر به آن پرداخت. یک حزب سیاسی در حال مبارزه از تکنیک‌ها و روش‌های خاص خود استفاده می‌کند که معمولاً بنا به شرایط مبارزه سیاسی و به صورت مخفی اعضا و هواداران را به شیوه‌های مختلف جذب و حفظ می‌کند.

توانمندی، می‌توانند نقش مهمی در ثبات خاورمیانه ایفا کنند. حمایت از حق تعیین سرنوشت مردم کورد در ترکیه، ایران، عراق و سوریه به اسرائیل و کشورهای غربی کمک خواهد کرد تا نه تنها از طریق اتحاد با مردم کورد، ثبات و امنیت منطقه را تقویت کنند، بلکه ارزش‌های دموکراتیک را در سراسر خاورمیانه بهبود بخشند. این همکاری منجر به ایجاد ساختارهای هماهنگ و متوازی می‌شود که تهدیدات علیه اسرائیل و متحدانش را کاهش می‌دهد.

در نتیجه، حمایت از آرمان‌های ملت کورد در بلندمدت منجر به ارتقای صلح، عدالت و ثبات در منطقه خواهد شد؛ چشم‌اندازی که در آن تمامی ملت‌ها، ادیان، فرهنگ‌ها و زبان‌های ساکن در خاورمیانه می‌توانند در صلح و برادری با یکدیگر زندگی کنند

از علوم جدید در مدیریت سیاسی برای انتقال این تجربه را داشته باشند. امروز می‌توان با بهره گرفتن از نیروی انسانی متخصص، آموزش دیده، آگاه به تکنیک و انقلاب دیجیتال، نهاد حزبی را از جهات مختلف به صورت کمی و کیفی ارتقا داد. با برگزاری سمینارها با موضوعات مختلف که هماهنگ با کارکرد احزاب مدرن می‌باشند سطح دانش، آگاهی و تحلیل رده‌های مختلف حزبی را ارتقا بخشید. ایجاد و برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای بخش‌های مختلف اعضا همانند، زنان، جوانان، دانشجویان و سایر طبقات اجتماعی باعث پویایی دانش در زمینه‌های مختلف برای اعضای حزبی می‌گردد.

دوره‌ها و توره‌های آموزشی برای نسل جدید و فرزندان که خارج از کوردستان متولد شده‌اند و سابقه مبارزات سیاسی و غیره را تجربه نکرده‌اند اما آن را از کانال‌های مختلف فقط شنیده‌اند. تغییر و بازنگری در برنامه‌ریزی‌های مختلف در ارگان‌های حزبی با بهره گرفتن از دانش مدیریت نوین. تغییر و دگرگونی در ساختارهای تشکیلات با بهره گرفتن از تجربه عملی در گذشته و بهره‌مند شدن از تئوری‌های جدید در این حوزه. تمرکز بر حوزه‌های ادبیات، هنر، موسیقی و ... برای انتقال دوران مبارزه و حماسه‌های بی نظیر و بی پایان که از سوی فرزندان ملت کورد در رویارویی با دشمنان خلق شده‌اند. پتانسیل بی‌پایان در زمینه‌های مختلف میان مردم و به طور مثال حزب دموکرات کوردستان ایران بستر بسیار مناسبی است برای انتقال این تجربه‌ها از راه آموزش و تکنیک‌های هنری و اجتماعی. در طی دهه‌ها مبارزه مردم برای حاکمیت سیاسی خود، یک نهاد نیرومند و مردمی در کوردستان شکل گرفته است که امروز به عنوان یک میراث ملی و اجتماعی مدرن از ضروریات زندگی اجتماعی ما کوردها می‌باشد.

آقای جباری خیلی ممنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید خواهش می‌کنم.

تحلیل وضعیت مذاکره میان ایران و آمریکا در دوران ترامپ و تأثیرات آن بر سیاستهای منطقه‌ای

اوراتو دلشین



با این حال، ترامپ تاکنون نشان داده که تمایلی به ورود به یک جنگ جدید در خاورمیانه ندارد، اما فشارهای اسرائیل ممکن است این معادله را تغییر دهد.

۶. آیا نتانیاهو به مذاکره آمریکا با ایران رضایت می‌دهد؟

نتانیاهو به‌عنوان یکی از سرسخت‌ترین مخالفان ایران، همواره از سیاستهای ترامپ در قبال تهران حمایت کرده است. اگر مذاکرات بین ایران و آمریکا آغاز شود، نتانیاهو سعی خواهد کرد آن را متوقف کند، زیرا هرگونه توافق که منجر به کاهش فشار بر ایران شود، از نظر اسرائیل یک شکست استراتژیک محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری:

با توجه به شرایط فعلی، چند سناریو محتمل است:

- افزایش فشارها بر ایران در صورت ادامه مقاومت
- مذاکره احتمالی با آمریکا در ازای امتیازدهی ایران
- نقش کلیدی اسرائیل در افزایش تنش‌ها و فشار بر ترامپ
- احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه یا اقدام نظامی در صورت شکست مذاکرات

در مجموع آینده روابط ایران و آمریکا به تصمیمات استراتژیک ایران، فشارهای داخلی در آمریکا و تأثیرگذاری اسرائیل بستگی دارد. مسیر مذاکره پرچالش و همراه با ریسک‌های فراوان خواهد بود.

صورت شکست مذاکرات به کار گرفته شود، مکانیسم ماشه (Snapback) است. این مکانیسم به آمریکا و کشورهای اروپایی اجازه می‌دهد که در صورت نقض توافق هسته‌ای، تحریم‌های سازمان ملل را دوباره اعمال کنند.

در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه:

- ایران با تحریم‌های سنگین‌تر مواجه خواهد شد
- اوضاع اقتصادی داخلی بحرانی‌تر خواهد شد
- اعتراضات مردمی و ناراضی‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت
- این شرایط می‌تواند رژیم ایران را در موقعیت بسیار دشواری قرار دهد.

۵. احتمال حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران

اگر مذاکرات شکست بخورد، گزینه نظامی علیه ایران نیز مطرح خواهد شد. اسرائیل بارها اعلام کرده که اجازه نخواهد داد ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، و در گذشته نیز عملیات‌هایی مانند ترور دانشمندان هسته‌ای و حمله سایبری به تأسیسات ایران را انجام داده است.

دو سناریو در این زمینه مطرح است

۱. حمله محدود و هدفمند به تأسیسات هسته‌ای ایران (مثلاً نطنز، فردو و اصفهان)

۲. حمله گسترده‌تر به مراکز نظامی ایران، که می‌تواند منجر به یک درگیری بزرگ شود

فلسطینی را به شدت کاهش داده است و ورود اسرائیل به معادلات منطقه‌ای یکی دیگر از عوامل مهم در تحولات اخیر، ورود گسترده‌تر اسرائیل به معادلات منطقه‌ای است. تل‌آویو که همیشه امنیت خود را در اولویت قرار داده، پس از سقوط رژیم اسد تمرکز بیشتری بر منطقه بلندی‌های یرموک گذاشته است. این منطقه از نظر استراتژیک برای اسرائیل اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند در آینده صحنه درگیری‌های جدیدی باشد.

مذاکرات پنهانی ایران و آمریکا، اگرچه رهبران جمهوری اسلامی، به‌ویژه علی خامنه‌ای، بارها اعلام کرده‌اند که حاضر به مذاکره با آمریکا نیستند، اما نشانه‌هایی وجود دارد که برخی مقامات ایران در پشت پرده به دنبال گشودن کانال‌های دیپلماتیک با واشنگتن هستند.

دلایل این رویکرد:

- شرایط اقتصادی وخیم
- افزایش فشارهای داخلی و بین‌المللی
- خطر اضافه شدن سپاه پاسداران به لیست سازمان‌های تروریستی غرب
- این عوامل باعث شده که جمهوری اسلامی به‌صورت غیررسمی به دنبال راهی برای کاهش این فشارها باشد.
- ۴. احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه و تشدید تنش‌ها
- یکی از ابزارهایی که ممکن است در

مشخصی دارد، از جمله:

- محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران فراتر از برجام
- توقف برنامه موشکی ایران
- کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و توقف حمایت از گروه‌های نیابتی
- این شروط برای ایران بسیار سخت و حتی غیرممکن به نظر می‌رسد، زیرا عقب‌نشینی در این موارد، به معنای از دست دادن بخشی از قدرت استراتژیک و نفوذ منطقه‌ای ایران خواهد بود.

کاهش نفوذ ایران در منطقه و چالش‌های جدید

یکی از مهم‌ترین رویدادهای اخیر، سقوط رژیم بشار اسد در سوریه بوده که تأثیرات گسترده‌ای بر معادلات قدرت در منطقه داشته است. با این تحول، جمهوری اسلامی ایران که یکی از مهم‌ترین حامیان اسد بود، نفوذ خود را در سوریه از دست داده و اکنون تلاش می‌کند از طریق ایجاد بی‌ثباتی، دولت جدید سوریه را تضعیف کند.

ضعف در محور مقاومت:

ایران در سال‌های اخیر تلاش کرده بود جایگاه خود را در سوریه، لبنان و فلسطین تقویت کند. اما سقوط بشار اسد، شکست سنگینی برای تهران محسوب می‌شود. از سوی دیگر، حزب‌الله لبنان که به‌شدت وابسته به حمایت‌های مالی و تسلیحاتی ایران است، ضربه بزرگی خورده و دیگر آن قدرت سابق را ندارد. علاوه بر این، توافق آتش‌بس میان حماس و اسرائیل و آزادی گروگان‌ها، موجب ناامیدی کامل جمهوری اسلامی شده و توانایی آن برای اعمال نفوذ بر گروه‌های

با توجه به تحولات پیچیده و متنوع در منطقه خاورمیانه، یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که ذهن تحلیلگران را به خود مشغول کرده، این است که آیا ایران و آمریکا تحت ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ قادر خواهند بود به مذاکره برسند؟ سیاست فشار حداکثری که ترامپ در دوره اول خود علیه ایران اعمال کرد، تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد و سیاست داخلی و خارجی ایران گذاشت. اما آیا این سیاست در دوره جدید او منجر به مذاکره خواهد شد؟ و اگر چنین شود، ترامپ چه شرایطی را برای مذاکره تعیین خواهد کرد و ایران تا چه حد حاضر به عقب‌نشینی است؟ در همین حال، نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، قصد دارد در هفته آینده با ترامپ دیدار کند، که می‌تواند بر تصمیمات آمریکا درباره ایران تأثیر بگذارد. آیا این دیدار به تشدید فشارهای بیشتر بر ایران منجر خواهد شد؟ آیا مکانیسم ماشه علیه ایران فعال می‌شود؟ آیا گزینه‌های نظامی و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در دستور کار قرار خواهد گرفت؟

در این مقاله، این سناریوها را بررسی می‌کنیم.

سیاست فشار حداکثری و نقاط ضعف ایران

از زمان خروج ترامپ از برجام، سیاست اصلی دولت او در قبال ایران بر پایه فشار حداکثری بنا شده است. این سیاست شامل تحریم‌های شدید اقتصادی، محدودیت‌های تجاری و تلاش برای منزوی کردن ایران در سطح بین‌المللی بوده است. هدف این فشارها، کشاندن ایران به پای میز مذاکره و تحمیل شروطی سخت‌تر از توافق برجام است.

تأثیرات این فشارها بر اقتصاد ایران غیرقابل انکار است: کاهش درآمدهای نفتی، افزایش تورم، نوسانات شدید ارزی و گسترش ناراضی‌های داخلی، همگی نشان‌دهنده تأثیر تحریم‌ها هستند. در چنین شرایطی، ایران دو گزینه پیش روی خود دارد:

- ادامه مقاومت و تلاش برای دور زدن تحریم‌ها
- پذیرش مذاکره با آمریکا برای کاهش فشارهای اقتصادی:

اما مسئله اصلی اینجاست که اگر ایران به مذاکره تن دهد، چه امتیازاتی را باید واگذار کند؟ ترامپ خواسته‌های